

روایت متهم از مواجهه با
الهه حسین‌نژاد در میدان آزادی

قاتل الهه
در برابر روانشناس

قاتل الهه در گفت‌وگو با هفت‌صبح:
عاشق همسر سابقم هشتم و الان دلم
می‌خواهد بروم مقابل خانه‌اش و
فقط او را نگاه کنم

صفحه ۷

تغییر کاربری غیر مجاز و تبدیل باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی ری
به کارگاه‌های پسماند و ساختمان‌سازی، کشاورزی و
محیط زیست جنوب تهران را تهدید می‌کند

کارگاه‌های پسماند
بلای جان مزارع

۱۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی در روستاهای قمصر و مجیدآباد به
کارگاه‌های غیر مجاز تفکیک پسماند و تولید پلاستیک تبدیل شده است

صفحه ۶

«هفت‌صبح» از یک ماه بی‌آبی
دشتیاری گزارش می‌دهد

ما زیر آسمان
بی‌ابر، زنده‌ایم

● دشتیاری یک ماه است با بحران
بی‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند.
مردم با چیره‌بندی، تشنگی و
وعده‌های بی‌سرانجام مسئولان
روبه‌رو هستند

● زنان برای یک سطل آب شور،
۱۰ کیلومتر راه می‌روند و حیوانات
بی‌رمق در کنار جاده‌ها آخرین
نگاه‌شان به آسمان بی‌ابر است

صفحه ۹

روایت

پایان دلهره؛ یسنا و سارا صحیح و سالم پیدا شدند

دختران نوجوان به دلیل دلخوری از خانواده
در خانه یکی از دوستانشان مخفی شدند، پلیس پس از
تحقیقات محل اختفای آنان را کشف کرد

همیشه مسیر خانه تا کلاس را پیاده می‌رفتند اما آن روز اصلاً به کلاس نرسیده بودند و خانواده‌ها وقتی متوجه دیر کردن فرزندان‌شان شدند، بلافاصله موضوع را پیگیری کردند. اما هیچ خبری از این دو دختر نبود. این نگرانی خانواده‌ها باعث شد پدرهای یسنا و سارا به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی به سرعت وارد عمل شوند و با بررسی دوربین‌های مدار بسته مسیر حرکت بچه‌ها و تحقیقات میدانی، تلاش برای یافتن این دو نوجوان را آغاز کنند. در نهایت پس از حدود چهل و هشت ساعت جست‌وجو و تحقیقات پلیسی، شنبه ۱۷ خرداد محل اختفای یسنا و سارا شناسایی شد. بر اساس اعلام یک مقام مسئول مشخص شد که این دو دختر نوجوان به‌دلیل دلخوری‌هایی که با خانواده‌های خود داشتند، تصمیم گرفتند خانه را ترک کنند و ظهر پنجشنبه به خانه یکی از دوستان‌شان رفتند. این دختران نوجوان به علت برخی مشکلات خانوادگی در خانه دوست خود مخفی شده بودند. با کشف محل اختفای این دو نوجوان توسط پلیس و اطمینان از سلامت‌شان، یسنا و سارا به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند و این ماجرای پرتنش سرانجام با پایان خوش همراه شد.

در روزهای گذشته خبر ناپدید شدن دو دختر نوجوان به نام‌های یسنا و سارا، موجی از نگرانی و همدلی را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرد. این دو دوست صمیمی پنجشنبه ۱۷ خرداد ماه حوالی ساعت ۱۰ صبح، طبق روال همیشه برای رفتن به کلاس توانکند از خانه‌هایشان خارج شدند. مسیر خانه تا کلاس را همیشه پیاده طی می‌کردند، اما در آن روز هرگز به کلاس نرسیدند و پس از آن دیگر خبری از آنها نشد. با انتشار خبر گم شدن این دو دختر نوجوان، خانواده‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی به شدت پیگیر سرنوشت دختران شدند. خانواده‌ها با مراجعه به پلیس و انتشار پیام‌هایی در فضای مجازی، از همه برای یافتن ردی از فرزندان‌شان کمک خواستند. دایی یسنا پیش از پیدا شدن این دو دختر در گفت‌وگو با خبرنگار «هفت صبح» گفته بود: «دختر خواهر من یسنا، همراه با همکلاسی‌اش سارا هر روز با هم به کلاس نقاشی و تکواندو می‌رفتند. خانواده خواهرم سال‌هاست با خانواده سارا همسایه هستند و بچه‌ها ارتباط نزدیکی با هم دارند.» او توضیح داد: «صبح پنجشنبه یسنا و سارا مطابق معمول ساعت ۱۰ صبح برای رفتن به کلاس توانکند از خانه خارج شدند. آنها

افزایش ناگهانی قیمت کارخانه‌ای خودروهای وارداتی باعث شد قیمت بازار آزاد پایین‌تر از قیمت ثبت‌نامی باشد

کارخانه گران‌تر از بازار آزاد

اختلاف قیمت عجیب میان بازار آزاد و کارخانه باعث سردرگمی متقاضیان خرید خودرو شده است

گزارشی از پروژه جهانی «گله‌ها» با ترکیب
مجسمه‌سازی، تئاتر خیابانی و کنشگری اقلیمی

هنر و کنشگری
روایت‌گر زخم‌های زمین

صفحه ۴

یادداشت

چشمان بیدار خائیز خاموش شد

با افزایش تهدیدها، هنوز دولت و مجلس برای حفاظت واقعی از محیط‌بانان برنامه جدی و حمایتی ندارند

سوال بزرگ‌تر اما این است: چرا در کشوری که منابع طبیعی آن در معرض تهدید روزافزون است، هنوز قانون جامع و حمایت‌گرانه‌ای برای محیط‌بانان نداریم؟ چرا باید فردی که جان‌ش را برای حفاظت از زیست‌بوم می‌گذارد، در برابر قانون همان اندازه مسئول باشد که مهاجم متخلف مسلح؟ چرا با همه قتل‌هایی که در چند سال اخیر اتفاق افتاده هنوز شرایط کاری محیط‌بانان در ایران در مقایسه با کشورهاییکه استانداردهای بالاتری برای حفاظت از محیط‌بانان خود دارند، چالش‌برانگیزتر و دشوارتر است؟ چرا بر خلاف بسیاری از کشورها، قوانین حفاظت از محیط زیست و حیات وحش در ایران هنوز به‌طور کامل توسعه نیافته؟ چرا هنوز پس از سال‌ها وعده، تجهیزات، آموزش‌های حرفه‌ای و بیمه شغلی مناسب برای محافظان طبیعت فراهم نشده است؟ چرا باید حفاظت از محیط‌زیست را به محیط‌بان بسپارند ولی به او به اندازه کافی حقوق ندهند؟ چرا تامین اجتماعی در لیست مشاغلش، محیط‌بان و کمک محیط‌بان دارد اما سازمان محیط‌زیست حاضر نیست در لیست‌های بیمه، شغل همکارانش را محیط‌بان بنویسد و بیمه محیط‌بان‌ها را به عنوان کارمند واریز می‌کند؟ و ده‌ها چرای دیگر و بی‌پاسخ مانده.

تعداد محیط‌بانانی که در سال‌های اخیر در نبردی نابرابر کشته شده‌اند، کم نیست. شهادت محیط‌بان خائیز، اولین نبود و با این روند آخرین نخواهد بود. شاید وقتی آخرین محیط‌بان هم کشته شد، ابراز تاسف و ناپاوری و عرض تسلیت کنار گذاشته و تصویب یک قانون حمایتی در مجلس ساده‌تر شود. شاید آن وقت، کسی بپرسد چرا دیر فهمیدیم که محیط‌بان، کارمند نیست؛ حافظ آینده است. شاید آن روز، حمایت از محیط‌بانان، فقط حمایت از یک شغل نباشد؛ حفاظت از آخرین خط دفاعی طبیعت بی‌پناه ایران باشد.



نمونه کشور و برنده جایزه ویژه یحیی در خاک خفت و توصیف‌های جانگداز و تسلیت‌های دولتی تمام شد. امروز، دیگر کسی نمی‌پرسد خانواده‌اش شب‌ها چطور به خواب می‌روند و همسرش چگونه نبود مرد خانه را تاب می‌آورد؟ کسی نمی‌پرسد هدایت‌الله، توی ۱۵ سال خدمت چند شب در سرمای کوه، نان خشک خورده و با صدای جغد خوابیده؟ کسی از عددها نمی‌پرسد و نمی‌ترسد. بیست، سی، پنجاه، چه فرقی می‌کند چند محیط‌بان با گلوله شکارچی به خاک افتاده و چند تایی دیگر قرار است قلب و سرشان سیبل نبود قانون شود؟ آیا خون‌شان، به اندازه یک پروژه سدسازی اشتباه، یک طرح انتقال آب بی‌حساب یا یک معدن غیرمجاز، برای مسئولی ارزش داشته؟ چرا فقط وقتی محیط‌بانان به سر خط اخبار راه می‌یابند که یکی از آن‌ها با گلوله‌ای در بدن و کلاهی خونین بر سر، به خانه بازگشته است؟

فریبا نباتی
روزنامه‌نگار

او قهرمان نبود. نه یونیفرمش چشمگیر بود، نه درآمدش قابل توجه، نه سلاحش از گلوله‌های مهاجم قوی‌تر و نه دست‌های قانون سپرش. اما هر صبح زودتر از آفتاب سیاهی خواب را پس می‌زد، چکمه‌های خاکی‌اش را می‌پوشید و می‌رفت سمت کوه. مرد خائیز از آن آدم‌هایی بود که درون‌شان پر از عشق است. عشق به خاک، به درخت، به پرندهای که در آسمان پر می‌زنند و کل‌هایی که با چشم‌های هراسان، به دور دست چشم دوخته‌اند. او بلد بود لانه کبک‌ها را از فاصله دور تشخیص دهد. می‌فهمید صدای شلیک از کدام دره آمده. رد پای شکارچی را مثل یک کتاب باز می‌خواند و می‌دانست پشت هر درخت، چه قصه‌ای وجود دارد. اسمش در شناسنامه «هدایت‌الله دیده‌بان» بود، اما در کوه، به او می‌گفتند: «محیط‌بان»؛ کسی که وظیفه‌اش را جدی می‌گرفت، حتی به قیمت جان. او بارها جان‌ش را گذاشته بود کف دستش و گلوله‌ها را دوچشمی پاییده بود، مبدا لانه یک پرند دست‌خورده شود و قلب بره آهو تندتر بزند. پنج روز پیش اما برای هدایت‌الله مثل روزهای قبل نبود. گلوله، نه تنها از جلوی چشم‌هایش گذشته که بر سرش نشسته بود. همان جایی که خیال حفاظت از طبیعت جا خوش کرده بود. وقتی به پایین کوه آوردندش، یونیفرمش خونی بود، سرش شکافته و چشم‌هایش هنوز باز. این بار هم چشم بر نداشته بود از کوه. هنوز نگران بود. نگران درختی که شاید بی‌صدا بیفتد، یا بچه‌آهویی که بی‌مادر شود. اما شکارچی‌ها، برایشان فرقی نداشت امروز چه شکار کردند: آهو، کل یا مردی که کوه را دوست داشت. دیروز، چشمان بیدار خائیز بسته شد. محیط‌بان

روایت زندگی و تلاش مهسا جاور، قهرمان قایقرانی ایران و آسیا که نقش مادری و قهرمانی را با هم تجربه می‌کند

پارو می‌زنم برای کشورم
می‌جنگم برای دخترم

● جاور معتقد است هیچ محدودیتی نمی‌تواند جلوی پیشرفت دختران علاقه‌مند به ورزش را بگیرد اگر اراده داشته باشند

● مهسا تلاش می‌کند الهام‌بخش دختران نوجوان باشد و به آنها امید و انگیزه بدهد

صفحه ۱۱

پایان دلهره؛ یسنا و سارا
صحیح و سالم پیدا شدند

دختران نوجوان به دلیل دلخوری از خانواده درخانه یکی از دوستانشان مخفی شدند، پلیس پس از تحقیقات محل اختفای آنان را کشف کرد

همین صفحه

استفاده از شارژرهای تقلبی موبایل می‌تواند به آتش‌سوزی خانه، نابودی دارایی و آسیب جدی به سلامت افراد منجر شود

کابل قلابی، خاکستر واقعی
ایجاد می‌کند

شارژر تقلبی به دلیل ضعف مدار حفاظتی می‌تواند آتش‌سوزی رقم بزند و خسارت جانی ایجاد کند

صفحه ۲

میر جلال‌الدین کزازی، شاهنامه‌پژوه و استاد ادبیات فارسی
از افزایش کتاب‌سازی، سرقت ادبی و کپی‌رایت می‌گوید

بی‌قانونی در نشر

کتاب‌سازی و مقاله‌سازی
بی‌وقفه اعتبار علمی و ادبیات
ایران را تهدید می‌کند

صفحه ۵

افزایش دوباره قیمت لبنیات در بازار ایران
باعث نارضایتی دامداران و مصرف‌کنندگان شده است

نارضایتی دوطرفه در بازار لبنیات

● افزایش قیمت شیر خام باعث شده است تا بار دیگر قیمت لبنیات به شکل محسوسی بالا برود و بازار ملتهب شود

● تولیدکنندگان شیر از قیمت جدید ناراضی هستند و معتقدند این نرخ برای ادامه فعالیت دامداری‌ها کافی نیست

صفحه ۲

درباره لوزان، شهر آرام سوئیس که مقر تصمیم‌گیری‌های بزرگ نفتی جهان و مرکز معاملات پنهان و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی است

پایتخت پنهان نفت

● تصمیم‌های کلیدی بازار انرژی، اغلب در رستوران‌ها و هتل‌های مجلل شهر لوزان گرفته می‌شود

● جلسات مهم مدیران نفتی، گاهی در پیاده‌روی‌های شبانه کنار دریاچه ژنو برگزار می‌شود

صفحه ۱۰

افشای جزئیات دست‌مزد، خطرات و واقعیت‌های محافظت از کریستیانو رونالدو توسط محافظ شخصی‌اش در سال‌های حضور در رئال مادرید

پروفایل شخصی رونالدو
خطرناک نیست

صفحه ۱۱

تقاضای افزایش‌دهنده برای داروهای تزریقی کاهش وزن، بازار سلامت اروپا را به لرزه انداخته و به تجارتی چند میلیارد یورویی بدل کرده است

صفحه ۳

داماد دلار
عروس تعرفه

تعرفه‌های ترامپ، قیمت کالا‌های عروسی را تا ۵۰ درصد بالا برده و هزینه مراسم را برای میلیون‌ها زوج آمریکایی غیرممکن کرده است

صفحه ۳

تحلیل

دولت بدهکارتر می شود

داستان اوراقی که روی میز بانک مرکزی می آید

روز سه شنبه ۳۰ خردادماه، بانک مرکزی میزان حجم بزرگی از اوراق نقدی اراد خواهد بود؛ ۳۰ هزار میلیارد تومان از اوراق ۲۱۴ و ۲۱۵ که قرار است روی پیشخوان این نهاد قرار بگیرد. این مبلغ تنها بخش کوچکی از بدهی‌های بزرگ دولت است که هر سال بیشتر می‌شود و فشار بیشتری به اقتصاد کشور وارد می‌کند.

نرخ سود اسمی این اوراق برای سال جاری ۲۳ درصد اعلام شده که برای سرمایه‌گذاران جذاب است، اما هزینه زیادی روی دوش دولت می‌گذارد. اگر به اوراق قبلی نگاه کنیم، میانگین نرخ بهره موثر اوراق ۲۰۲ تا ۲۱۳ حدود ۲۷.۳ درصد بوده است؛ عددی که نشان می‌دهد دولت در سال‌های قبل هزینه زیادی برای تامین مالی پرداخت کرده است.

بدهی‌های دولت بسیار بزرگ‌تر از این است. در سال ۱۴۰۴، دولت باید حدود ۴۳۸ هزار میلیارد تومان اصل و سود اوراق قبلی را پرداخت کند. این مبلغ شامل ۲۸۸ هزار میلیارد تومان اصل اوراق و ۱۵۰ هزار میلیارد تومان سود آنها می‌شود. علاوه بر این، بودجه سال جاری دولت برنامه‌ریزی کرده تا ۷۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق جدید منتشر کند. این یعنی بدهی‌ها روز به روز بیشتر می‌شود و دولت بیشتر به بازار سرمایه و منابع مالی آن وابسته می‌شود.

این شرایط نشان می‌دهد دولت هر سال بیشتر بدهکار می‌شود. هر اوراق جدیدی که منتشر می‌شود، وعده‌ای است برای پرداخت‌های آینده. اگر این وضعیت کنترل نشود، باعث مشکلات اقتصادی بزرگی می‌شود و فشار روی منابع مالی کشور را افزایش می‌دهد.

اوراقی که روی میز بانک مرکزی قرار می‌گیرد نشانه‌ای است از چالش بزرگ دولت برای تامین منابع، کنترل بودجه و مدیریت بدهی‌ها که باید با دقت و توجه زیادی دنبال شود.

نکته

مشکل مسکن ایرانیان حل شد

نوبت کنیایی‌ها رسید

گویا دیگر هیچ زوجی در ایران زیر سقف آسمان نمی‌خوابد، هیچ جوانی از ترس اجاره‌خانه دلش نمی‌لرزد و هیچ خانواده‌ای منتظر وعده‌های بی‌پایان مسکن ملی نیست، چرا؟ چون حالا وزارت راه و شهرسازی عزمش را جزم کرده که برای مردم کنیا خانه بسازد؛ آن هم نه یکی دوتا، بلکه یک میلیون واحد.

در حاشیه مجمع اسکان بشر سازمان ملل، عبدالرضا گلیایگانی معاون وزیر راه و شهرسازی ایران، با وزیر مسکن کنیا دیدار کرده و با افتخار اعلام کرده ایران آمادگی دارد با تمام توان و شرکت‌های ساختمانی‌اش به کمک کنیایی‌ها بپاید تا هدف ساخت یک میلیون خانه در آن کشور محقق شود. این یعنی وقتی کار زمین و خانه در وطن به سرانجام رسید، باید به فکر برادران و خواهران دوردست آفریقایی بود.

البته وزیر محترم کنیایی هم بیکار ننشست و در خواست مصالح ساختمانی ایرانی داد: سیمان، آهن و حتی لوازم بهداشتی! فرصتی طلایی برای صادرات ایران. این یعنی هر چه در ایران برای ساخت مسکن کم داریم، می‌توانیم صادر کنیم، چون حتماً نیاز داخلی تأمین شده است.

در این دیدار، آقای گلیایگانی با جدیت از بازدیدش از محله فقیرنشین کبیرا در نایروبی گفت و اظهار امیدواری کرد تجربه‌های دو کشور در زمینه بافت فرسوده و مسکن اجتماعی مبادله شود. احتمالاً او نگاهی به محلات فرسوده تهران، مشهد، اهواز یا شیراز نکرده که نیاز به بهسازی فوری دارند، یا شاید آنها را هم به سبک آفریقایی حل کرده‌اند و ما خبر نداریم. چه خوش است وقتی دولت، پس از حل تمام معضلات داخلی، کمر همت به حل مشکلات جهانی می‌بندد. دستم‌ریزاد وزارت راه، که حالا مسیر توسعه‌اش از نایروبی می‌گذرد.

گزارش کوتاه

شکر در بازار کم نشده اما قیمت بالا رفته و عرضه کاهش یافته است، هزینه تولید و بازار جهانی نقش دارند

شکر گران شد، بازار تلخ

تولیدکنندگان شکر برای حفظ سودآوری مجبور شدند عرضه را کاهش دهند و قیمت‌ها را افزایش دهند

هفت صبح | شکر که از معروف‌ترین شیرینی‌ها است و کاربردی اساسی در تهیه شیرینی جات دارد، در ماه‌های اخیر شرایط ناپسامانی در بازارهای ایران داشته است.

رصد هفته‌های گذشته از

بازار کالاهای اساسی نشان داد که فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سوپرمارکت‌ها در مراجعه مشتریان اعلام می‌کنند شکر ندارند. در همین حال مجید حسینی‌مقدم، سرپرست دفتر بازرگانی داخلی جهاد کشاورزی ضمن رد موضوع کاهش شکر در بازار گفت: «در راستای مدیریت دقیق‌تر بازار از ۹ اسفند سال گذشته شکر در سامانه بازارگاه عرضه می‌شود که میزان توزیع هم بر اساس عرضه و تقاضا تنظیم شده است.» این تکذیب کم بودن شکر در بازار از سوی سرپرست دفتر بازرگانی داخلی جهاد کشاورزی، در حالی صورت گرفت که خبرنگار «هفت صبح» در بازدید میدانی از چند سوپرمارکت خلاف این صحبت را تأیید می‌کند.

به گفته فعالان این بازار، یکی از عوامل اصلی کمبود و همچنین افزایش قیمت شکر، بالا رفتن هزینه‌های تولید است. این هزینه‌ها شامل افزایش دستمزد کارگران، هزینه‌های حمل و نقل، انرژی و سایر هزینه‌های جانبی می‌شود. در کنار آن دلایل دیگری مانند کاهش تولید داخلی چقدرند در کشور و همچنین نوسانات قیمت جهانی شکر مطرح شده است. بنابراین تولیدکنندگان ضمن کاهش عرضه به بازار، برای حفظ پایداری تولید و جلوگیری از زیان‌دهی، ناچار به افزایش قیمت شده‌اند.

در همین حال قیمت مصوب اعلام شده در سامانه بازارگاه برای هر کیلو شکر برای مابشران ۴۶ هزار و ۳۰۰ تومان در نظر گرفته شده که به علاوه ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده به قیمت ۵۰ هزار و ۹۳۰ تومان خواهد بود. علاوه بر این قیمت، هر کیلو شکر با احتساب سود سه درصد در عمده فروشی و با احتساب سود ۱۰ درصد در خرده فروشی‌ها برای مصرف‌کننده فله‌ای ۵۹ هزار تومان خواهد بود.

شکر بسته‌بندی هم که پیش از این برای مصرف‌کننده ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان بود در حال حاضر به قیمت ۶۵ هزار تومان در حال عرضه است. اما همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، هر دو شکل فله‌ای و بسته‌بندی شده شکر فعلا در بازار به سختی دیده می‌شود.

اقتصاد

|روزنامه صبح ایران
|سال یازدهم
|شماره ۲۰۶۹
|پخشیه |۱۸ خرداد ۱۴۰۴
|

گزارش یک

افزایش دوباره قیمت لبنیات در بازار ایران باعث نارضایتی دامداران و مصرف‌کنندگان شده است

نارضایتی دو طرفه در بازار لبنیات

- افزایش قیمت شیر خام باعث شده است تا بار دیگر قیمت لبنیات به شکل محسوسی بالا برود و بازار ملتهب شود**



هفت صبح | کمتر از یک ماه پس از آنکه قیمت شیر خام

در دامداری‌ها به کیلویی ۲۳ هزار تومان افزایش یافت، روند صعودی قیمت لبنیات از جمله ماست و پنیر نیز آغاز شد، این افزایش جدا از بالا رفتن قیمت در ابتدای سال است و حالا برای دومین بار در طول سال اخیر اتفاق افتاده است. همین افزایش قیمت‌ها باعث شده تا بخشی از جامعه توان خرید لبنیات را نداشته و بنابراین به ناچار این خوراکی مهم را از سبد غذایی خود حذف کنند. با وجود وعده‌های دولت مبنی بر اینکه افزایش نرخ شیر خام منجر به گرانی لبنیات نخواهد شد، گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که انواع محصولات لبنی، از جمله شیرهای یابلونی و ماست و پنیر، در روزهای اخیر با قیمت‌های بالاتر وارد بازار شده‌اند.

در همین حال فعالان بازار می‌گویند، این قیمت نه تنها بر پایه تحلیل‌های تخصصی نیست، بلکه تحت تأثیر فشارهای پشت پرده تعیین شده و حالا پیامدهایی چون گرانی فرآورده‌های لبنی و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان را به همراه دارد. علی‌احسان طفری، رئیس هیأت مدیره اتحادیه فرآورده‌های لبنی چند روز پیش درباره قیمت جدید شیر خام گفته بود: قیمت شیر خام ۲۳ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم تعیین شده است. شورای قیمت‌گذاری تحت تأثیر لایه‌ها و مافیاهای قدرتمند و بدون توجه به نظرات کارشناسی این قیمت را تعیین کرده است. او در پاسخ به این پرسشی که آیا این قیمت برای تولیدکننده و مصرف‌کننده مناسب است تصریح کرد: این قیمت نه برای تولیدکننده و نه برای مصرف‌کننده مناسب نیست و شورای قیمت‌گذاری بدون بحث و بررسی دقیق این قیمت را تعیین کرده است.

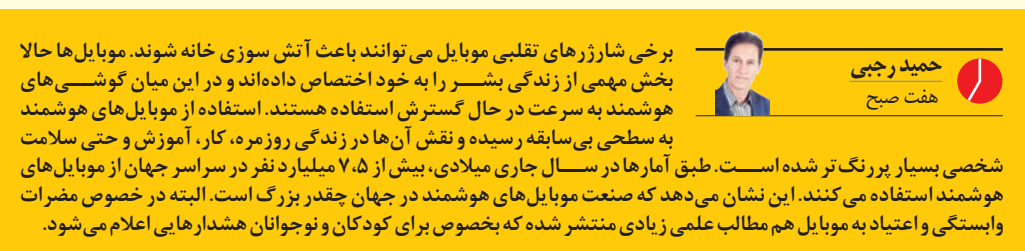
قیمت جدیدلبنیات	
نوع کالا	قیمت (تومان)
شیر کم چرب ۲۰۰ میلی لیتر دومینو	۱۳،۵۸۵
شیر کم چرب ۱ لیتری دومینو	۵۵،۰۰۰
شیر کم چرب ۹۵۰ میلی لیتر مبین	۳۲،۷۸۰
شیر پر چرب ۱ لیتر مبین	۵۲،۲۵۰
شیر کم چرب ۹۵۵ میلی لیتر کاله	۵۰،۴۹۰
شیر کاکائو ۱ لیتری کاله	۸۹،۱۰۰
خامه استریل ۲۰۰ گرمی	۵۶،۰۰۰
پنیر لایقوان ۴۰۰ گرم رامک	۲۵۴،۲۰۰
پنیر خامه‌ای ۱ کیلوگرم ویلی کاله	۲۴۰،۰۰۰
پنیر ۷۵۰ گرم لینه پگاه	۱۹۶،۰۰۰
ماست همزده ۱۸۰۰ گرم هراز	۱۵۶،۰۰۰
ماست پرچرب سون کاله - ۲۷۰۰ گرم	۱۸۸،۱۰۰
کره پاستوریزه پاک - ۱۰۰ گرم	۶۳،۰۰۰
کره حیوانی پاستوریزه شکلی ۱۰۰ گرم	۶۴،۰۰۰

گفته می‌شود این افزایش قیمت باعث می‌شود سفره بسیاری از خانواده‌ها خالی از لبنیات شود در جدول نرخ جدید فروش محصولات لبنی را مشاهده می‌کنید.

استفاده از شارژرهای تقلبی موبایل می‌تواند به آتش‌سوزی خانه، نابودی دارایی و آسیب جدی به سلامت افراد منجر شود

کابل قلابی، خاکستر واقعی ایجاد می‌کند

- شارژر تقلبی به دلیل ضعف مدار حفاظتی می‌تواند آتش‌سوزی رقم بزند و خسارت جانی ایجاد کند**
- شارژرهای تقلبی ولتاژ و جریان نامناسبی منتقل می‌کنند و باعث آسیب به باتری و خودگوشی می‌شوند**
- استفاده از شارژر فندکی تقلبی در خودرو نیز می‌تواند به باتری و مدار گوشی آسیب جدی وارد کند**



برخی شارژرهای تقلبی موبایل می‌توانند باعث آتش‌سوزی خانه شوند. موبایل‌ها حالا بخش مهمی از زندگی بشر را به خود اختصاص داده‌اند و در این میان گوشی‌های هوشمند به سرعت در حال گسترش استفاده هستند. استفاده از موبایل‌های هوشمند به سطحی بی‌سابقه رسیده و نقش آن‌ها در زندگی روزمره، کار، آموزش و حتی سلامت شخصی بسیار پررنگ‌تر شده است. طبق آمارها در سال جاری میلادی، بیش از ۷.۵ میلیارد نفر در سراسر جهان از موبایل‌های هوشمند استفاده می‌کنند. این نشان می‌دهد که صنعت موبایل‌های هوشمند در جهان چقدر بزرگ است. البته در خصوص مضرات وابستگی و اعتیاد به موبایل هم مطالب علمی زیادی منتشر شده که بخصوص برای کودکان و نوجوانان هشدارهایی اعلام می‌شود.

مختلفی تولید می‌شوند که این موضوع اغلب باعث سردرگمی مردم شده است به همین دلیل اتحادیه اروپا به تصویب دستورالعملی در سال ۲۰۲۲، استفاده از پورت تایپ USB-C را به‌عنوان استاندارد برای شارژ دستگاه‌های الکترونیکی الزامی کرده است، که این اتفاق بر طراحی و تولید شارژرها در دنیا تأثیرگذار بوده است.

سرقت شارژر؟

بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده تلفن همراه به دلیل کاهش هزینه‌ها، شارژر را از جعبه محصولات حذف کرده‌اند. بسا این حال، برخی برندها مانند موتورولا، شیائومی و هواوی همچنان شارژر اصلی را در جعبه ارائه می‌دهند. با این حال متأسفانه بسیاری از فروشندگان و یا واردکنندگان موبایل در ایران، اقدام به بیرون آوردن شارژر از جعبه این قبیل موبایل‌ها کرده و آنها را بدون شارژر به فروش می‌رسانند تا سود بیشتری کسب کنند. این درحالی است که خریداران به این ماجرا اعتراض داشته و این کار موبایل دارد.

بر اساس گزارش‌ها، ارزش بازار جهانی شارژرهای موبایل در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۸.۹ میلیارد دلار برآورد شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۳ به ۳۳.۸ میلیارد دلار برسد چرا که تقاضای بازار و میزان استفاده از آنها به‌شدت زیاد شده است.

شارژرهای موبایل با سوکت و پورت‌های

گزارش دو

کاهش خرویف با کمک بالش‌های طبی

نسل جدید بالش‌های طبی

افزایش کیفیت خواب افراد را تضمین می‌کند

هفت صبح | خواب یکی از نیازهای اساسی بدن است و نقش

مهمی در سلامت جسمی و روانی دارد. خواب کافی و باکیفیت به بهبود عملکرد مغز، تقویت سیستم ایمنی، حفظ سلامت قلب و کنترل استرس کمک می‌کند. در کنار تشک‌های استاندارد، بالش مناسب هم یکی دیگر از کالاهایی است که نقش مهمی برای داشتن خواب خوب دارد.

انتخاب بالش استاندارد برای حفظ سلامت ستون فقرات، کاهش درد گردن و بهبود کیفیت خواب اهمیت زیادی دارد. بالش استاندارد به گونه‌ای طراحی شده است که از سر و گردن در حین خواب حمایت کافی داشته و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. در این میان بالش‌های طبی گزینه مناسبی هستند. بالش‌های طبی به دلیل طراحی ارگونومیک و حمایت مفید خود، برای کسانی که به دنبال بهبود کیفیت خواب و کاهش دردهای عضلانی هستند، گزینه مناسبی هستند. این بالش‌ها با حمایت صحیح از گردن و ستون فقرات، به کاهش دردهای پیشگیری از مشکلات ستون فقرات کمک می‌کنند. این بالش‌ها معمولاً از موادی مانند فوم هوشمند، مموری فوم، لاتکس و یا پر ساخته می‌شوند و دارای اشکال و ارتفاع‌های مختلفی هستند.

به صورت کلی بالش طبی برای افرادی که از مشکلات گردن و ستون فقرات رنج می‌برند، افرادی که در هنگام خواب به پشت، پهلو یا شکم می‌خوابند و یا افرادی که به دلیل شغل خود مجبور

به صورت کلی بالش طبی برای افرادی که از مشکلات گردن و ستون فقرات رنج می‌برند، افرادی که در هنگام خواب به پشت، پهلو یا شکم می‌خوابند و یا افرادی که به دلیل شغل خود مجبور به صورت کلی بالش طبی برای افرادی که از مشکلات گردن و ستون فقرات رنج می‌برند، افرادی که در هنگام خواب به پشت، پهلو یا شکم می‌خوابند و یا افرادی که به دلیل شغل خود مجبور



قیمت‌ها در بازار	
مشخصات کالا	قیمت (تومان)
بالش ایالیفی مدل پرایم سافت	۱،۲۰۰،۰۰۰
بالش طبی اکسیژن پلاس ۲	۱،۳۳۰،۰۰۰
بالش الیاف مدل دریم تایم	۱،۶۰۰،۰۰۰
بالش طبی هوشمند مدل Classic	۱،۸۸۰،۰۰۰
بالش طبی مدیترم کلاسیک با مموری فوم هوشمند	۲،۴۰۰،۰۰۰
بالش طبی کلاسیک با مموری فوم هوشمند	۲،۴۷۰،۰۰۰
بالش دوطرفه پر و الیاف مدل آنجل	۳،۴۰۰،۰۰۰
بالش مموری فوم طبی موجدار با ژل خنک‌کننده مدل Casonova (کازونوا)	۴،۴۰۰،۰۰۰
بالش مموری فوم طبی موجدار با ژل خنک‌کننده مدل Casonova (کازونوا) کلاسیک	۴،۵۰۰،۰۰۰

با اعلام اینکه قیمت‌های بالا از سایت‌های فروش اینترنتی به‌دست آمده، نرخ این کالاها را در جدول مشاهده می‌کنید.



می‌کشد شارژ نمی‌شود. از طرف دیگر، اگر موبایل با انرژی بیش از حد تغذیه شود، باتری نمی‌تواند به طور ایمن جریان ثابت انرژی بیش از حد را کنترل کند و به این ترتیب آسیب بزرگی به مرور زمان به باتری وارد می‌شود.

شارژری که زندگی را خاکستر می‌کند!

اما ضرر و زیان استفاده از شارژرهای تقلبی فقط به از بین رفتن باتری محدود نمی‌شود و ممکن است خسارات مالی و حتی جانی نیز برای افراد ایجاد کند. برخی شارژرهای تقلبی چون مدار الکتریکی ضعیفی دارند، بنابراین برخی موارد ممکن است کابل این شارژرها داغ شده آتش بگیرد. اگر این اتفاق در حالی که در منزل حضور ندارید و یا بنیمه شب (برخی عادت دارند موبایل خود را از شب تا صبح در شارژر قرار دهند) اتفاق بیفتد، موجب آتش‌سوزی منزل شده و بنابراین یک شارژر تقلبی می‌تواند کل زندگی شما را خاکستر کند.

شارژرهای بی‌سیم و سریع
شرکت‌های فناوری چند سال پیش شارژر بی‌سیم و یا وایرلس را معرفی کردند. این اتفاق دنیای تکنولوژی را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

تفاوت‌های شارژر اصلی و تقلبی

تشخیص شارژر اصلی با تقلبی برای برخی از مردم دشوار است اما با توجه به برخی موارد می‌توان این دورا از یکدیگر تشخیص داد. در حالت ایده‌آل، باید از فروشگاه معتبر و زیر نظر اتحادیه خرید و فاکتور فروش را هم دریافت کنید تا در صورت دریافت شارژر تقلبی، مسیر شکایت برای شما وجود داشته باشد. در بیشتر موارد، شارژر اصلی شامل یک دوره گارانتی نیز می‌شود. گواهینامه‌های شارژر را بررسی کنید. دو گواهی متداول شامل CE علامتی که نشان می‌دهد محصول مطابق با مقررات و استانداردهای بهداشت، ایمنی و حفاظت از محیط زیست است و علامت RoHS که مخفف محدودیت مواد خطرناک، استفاده نمی‌کند باید بر روی شارژر وجود داشته باشد. به حرف روی شارژر هم دقت کنید. مثلاً در

این فناوری امروز به سرعت پیشرفت کرده و تقریباً در همه پرچمداران و برخی گوشی‌های میان‌رده بازار به کار رفته است.

این نوع شارژرها مزایای مختلفی از جمله عدم نیاز به سیم، اتصال امن‌تر، سازگاری با دستگاه‌های مختلف و عدم گرم شدن بیش از حد دستگاه را دارد. اما شاید یکی از بزرگ‌ترین مزایای آن عدم داغ شدن دستگاه و کابل است که در شارژرهای معمولی تقلبی وجود دارد. به این صورت خطر آتش‌سوزی منزل از سوی شارژرهای بی‌سیم بسیار کمتر است. البته انواع تقلبی شارژرهای بی‌سیم نیز در بازار وجود دارد که باید در هنگام خرید مراقب بود.

شارژرهای خودرو

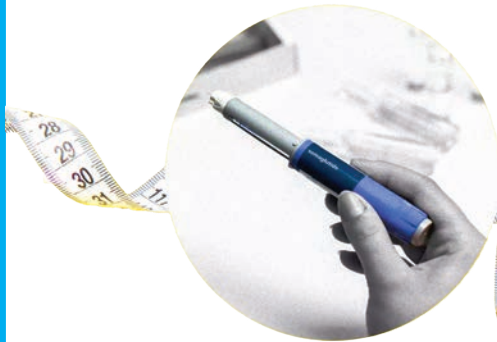
نوع دیگری از شارژرهای موبایل، فندکی است که در خودرو نصب شده و استفاده می‌شود. اگر ممکن است شارژرهای فندکی را به دقت‌های فندکی خود شارژرهای فندکی بی‌سیم تبدیل کنید، بهتر است خود را به این نوع شارژر متصل کنید، بهتر است که با استفاده از یک شارژر برند و باکیفیت این کار را انجام بدهید تا میزان آسیب به باتری و برد گوشی را به حداقل برسانید.

شارژر فندکی تقلبی که کیفیت مناسبی نداشته باشد، نمی‌تواند به خوبی ولتاژ و جریان برق را پایدان نگه دارد. بنابراین شما با چند بار استفاده از این نوع شارژرهای تقلبی به خوبی متوجه خواهید شد که باتری موبایل کیفیت گذشته را نداشته و سریع‌تر از قبل خالی می‌شود یا این‌که گوشی موقع شارژ کردن داغ می‌شود. در این مواقع حتی خود شارژرهای فندکی بی‌کیفیت هم هنگام استفاده داغ می‌شوند. بنابراین انتخاب نوع اصلی شارژرهای فندکی خودرو نیز مهم است.

انواع برند سامسونگ، شما متوجه خواهید شد که ضخامت حرف A روی شارژر تقلبی ضخیم‌تر از اصلی است. لوگوی سامسونگ هم در شارژر باکیفیت ضخامت یکسانی در تمام حرف‌هایش دارد و این حرف در این دو شارژر متفاوت است. یک نشانه دیگر هم اینکه شارژر واقعی کیفیت ساخت خوب و تمیز دارد و محکم است در حالی که شارژرهای تقلبی از پلاستیک‌های ارزان قیمت ساخته شده‌اند. وزن شارژرهای تقلبی نیز در مقایسه با انواع اصلی کمتر است. با سنجیدن زمان شارژ نیز می‌توانید به تقلبی بودن آن پی ببرید. شارژر تقلبی خیلی دیرتر از استاندارد زمان می‌برد تا گوشی شما را به ۵۰ درصد شارژ برساند در صورتی که شارژر اصلی بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه نیمی از باتری را پر کند.

جنون بدن ایده آل در اروپا

تقاضای فزاینده برای داروهای تزریقی کاهش وزن، بازار سلامت اروپا را به لرزه انداخته و به تجارتی چندمیلیارد یورویی بدل کرده است



مصرف می‌دهند. اما فروش ماهانه ۱۲ هزار دوز از داروی مونجارو و کاهش ۲۳ درصدی قیمت آن در فوریه گذشته، نشان می‌دهد بازار غیررسمی از محدودیت‌ها عبور کرده است.

تنها در چهار ماه نخست ۲۰۲۵، مصرف کنندگان پرتغالی ۲۰ میلیون یورو خرج داروهای تزریقی کاهش وزن کردند. داروی و گسوی که از آوریل وارد بازار شده، تنها در یک ماه ۶۸۰۰ واحد فروش داشته است. هر واحد از این دارو ۲۴۴ یورو قیمت دارد و با وجود نبود هیچ گونه پوشش بیمه‌ای، استقبال مردم، به‌ویژه تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و سلبریتی‌هایی نظیر سلنا گومز، روندی صعودی دارد.

اسپانیا، فروش نهم میلیارد یورویی

بر اساس داده‌های آماری، فروش داروهای کاهش وزن در اسپانیا در سال ۲۰۲۴ به ۴۸۴ میلیون یورو رسید که نسبت به سال قبل، ۶۵ درصد رشد نشان می‌دهد. شمار دوزهای فروخته‌شده نیز از ۳.۲ میلیون به ۴.۸ میلیون افزایش یافت. با این حال، به دلیل نبود شفافیت در طبقه‌بندی داروها، هنوز مشخص نیست چه بخشی از این هزینه صرف داروهای لاغری شده است.

آلمان، قانون سخت، بازار داغ

در آلمان، مصرف داروهای تزریقی کاهش وزن همچون وگویی و مونجارو به‌شدت در حال افزایش است. با این حال، قانون بیمه عمومی این کشور، داروهای کاهش وزن را در رده «درمان‌های سبک زندگی» قرار داده و آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. تنها استثنا، مواردی است که چاقی خطر جدی برای قلب داشته باشد. با وجود محدودیت‌ها، پیش‌بینی می‌شود بازار این داروها تا سال ۲۰۳۰ به ۷۰۰

در کمتر از چند سال، قاره اروپا شاهد جهشی بی‌سابقه در مصرف نوعی داروی تزریقی بوده که در اصل برای دیابت نوع ۲ طراحی شده بود اما حالا بیشتر به‌عنوان ابزار لاغری مصرف می‌شود. داروهای تزریقی کاهش وزن، با اثرگذاری مستقیم بر ترشح انسولین و ایجاد احساس سیری، حالا در قلب یک صنعت چند میلیارد یورویی ایستاده‌اند. این تب لاغری ابتدا در آمریکا شعله‌ور شد، جایی که برخی مصرف کنندگان برای داشتن «بدن ساحلی»، یعنی اندامی لاغر، عضلانی و آماده نمایش در تعطیلات تابستانی، ماهانه بیش از ۱۳۰۰ دلار برای داروهایی مانند اوزمپیک، مونجارو و وگسوی می‌پردازند. حالا همین موج، از پرتغال تا لهستان، سواحل جنوب تا کلینیک‌های خصوصی اروپایی مرکزی را درنوردیده، قاره‌ای که بیش از نیمی از جمعیت بزرگسال آن دچار اضافه‌وزن هستند و ۱۷ درصد به چاقی مفرط مبتلاند.

ایتالیا، انفجار ۱۰ برابری هزینه‌ها

در سال ۲۰۲۵، بازار خصوصی داروهای تزریقی کاهش وزن در ایتالیا به رکوردی بی‌سابقه رسید و تنها در یک سال از ۵۲ میلیون یورو به بیش از ۱۱۵ میلیون یورو افزایش یافت. این در حالی است که مصرف غیررسمی این داروها برای لاغری هنوز تحت پوشش بیمه درمانی کشور نیست و اغلب بیماران هزینه را از جیب خود می‌پردازند. هرچند قانون جدیدی به‌تازگی چاقی را به‌عنوان یک بیماری مزمن به رسمیت شناخته اما همچنان تنها متخصصان با شرایط خاص مجاز به تجویز هستند.

یونان، ممنوعیت رسمی، بازار زیرزمینی

در یونان، تقاضا برای این داروها در سال ۲۰۲۴ با رشد ۵/۸۲ درصدی همراه بود و بازار مصرف آن به ۹۳ میلیون یورو رسید. با وجود این، قوانین سخت‌وسخت همچنان مصرف برای کاهش وزن را به‌طور رسمی ممنوع می‌دانند و تنها در شرایط وخیم دیابتی مجوز

بنگه دنیا

داماد دلار، عروس تعرفه

تعرفه‌های ترامپ، قیمت کالاهای عروسی را تا ۵۰ درصد بالا برده و هزینه مراسم را برای میلیون‌ها زوج آمریکایی غیر ممکن کرده است



رامتین لطفی
دبیر سرویس بین الملل

پس از بازگشت دونالد ترامپ به قدرت، موج تازه‌ای از تعرفه‌ها بر واردات، بازارهای داخلی آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از قربانیان خاموش این سیاست اقتصادی، صنعت عظیم و پراشتغال «مراسم عروسی» است. صنعتی ۷۰ میلیارد دلاری که حالا زیر فشار قیمت‌ها، تردیدها و لغوهای بی‌درپی به زانو درآمده است. از لباس عروس تا گل، کیک و منوی شام، هیچ بخشی از این بازار رنگارنگ، از تیغ تند و تیز تعرفه‌ها در امان نمانده.

لباس عروس، وارداتی و گران‌تر از همیشه

بیش از ۹۰ درصد لباس‌های عروس در آمریکا از چین و کشورهای جنوب آسیا وارد می‌شوند. این واردات نه‌تنها شامل دوخت نهایی، بلکه بیشتر مواد اولیه مانند تور، دانتل، سنگ‌دوزی، زیپ و دکمه نیز هست. پس از اعمال مجدد تعرفه‌های بالا برواردات از چین، قیمت نهایی لباس‌های عروس بین ۷۰۰ تا ۱۳۰۰ دلار افزایش یافته است. کریستین گربنرگ، مالک یک بوتیک عروس در ویرجینیا، می‌گوید در صورت بازگشت تعرفه ۵۰ درصدی بر واردات چینی، هزینه‌های سالانه فروشگاه کوچک او تا ۱۰۰ هزار دلار بالا می‌رود. او هشدار می‌دهد که برای کسب و کارهای خانوادگی، چنین شوکی می‌تواند به معنای تعطیلی دائمی باشد.

کیک عروسی با چاشنی بحران کاکائو

هر کیک مجلل عروسی در آمریکا امروز با متوسط قیمت ۷۵۰ تا ۹۰۰ دلار فروخته می‌شود. آرمان کریستینسون، شیرینی‌پز فینیکس، می‌گوید قیمت شکلات سفید وارداتی که در کیک‌هایش استفاده می‌کند، در اثر همزمانی بحران کاکائو و تعرفه‌ها، از ۷۵ دلار به ۱۵۰ دلار برای هر کیک جهش کرده است. او که تنها کارمند کسب و کار خودش است، ناچار شده بدون آنکه بتواند قراردادهای تغییر دهد، هزینه‌های اضافی

منوی جشن، در مگنسه تورم و تعرفه

افزایش قیمت محصولات کشاورزی و مواد خوراکی بر اثر تعرفه‌ها باعث شده هزینه متوسط غذای هر مهمان در مراسم عروسی از ۷۵ دلار در ۲۰۲۲ به بیش از ۹۵ دلار در سال جاری برسد. واردات اقلامی چون پنیر فرانسوی، روغن زیتون اسپانیایی، شکلات بلژیکی و مشروبات الکلی اروپایی تحت تأثیر تعرفه‌های ۲۵ تا ۵۰ درصدی قرار گرفته‌اند. از این رو، بسیاری از کترینگ‌ها برای حفظ قیمت‌ها و البته مشتریان‌شان، به جای گران کردن مستقیم اقلام،

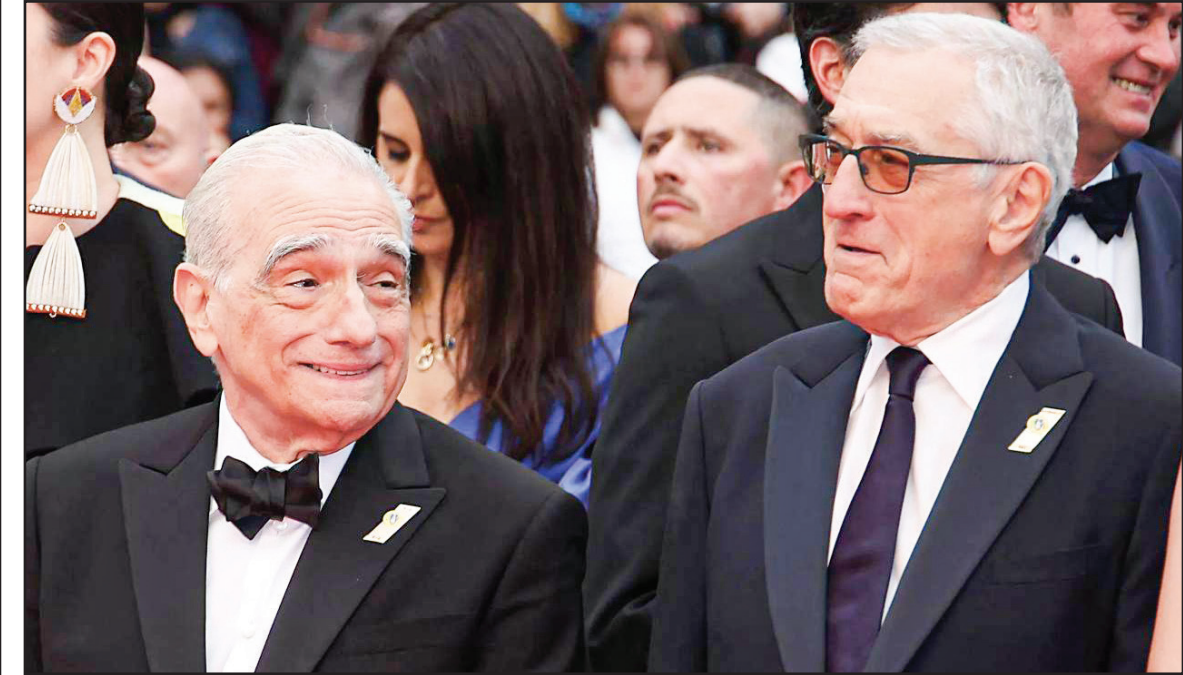


تصمیم‌گیری سخت، لغوهای پی‌درپی

طبق اعلام انجمن متخصصان صنعت عروسی آمریکا (WIPA)، هر مراسم عروسی بین ۴۰ تا ۵۰ ارانه‌دهنده خدمات رادگیر می‌کنند: از راننده و عکاس تا طراح گل و دکوراتور. افزایش هزینه‌ها باعث شده تصمیم‌گیری درباره برگزاری مراسم از ۴۰ روز به ۷۳ روز افزایش یابد. در سال ۲۰۲۵، طبق داده‌های مؤسسه سوییک ساینس، تنها ۴ درصد آمریکایی‌ها قصد برگزاری مراسم عروسی رسمی دارند، در حالی که این رقم در سال گذشته ۷.۲ درصد بود. این افت به‌ویژه در طبقه متوسط و زوج‌های کم‌درآمد هنوز پاشخوکی حجم تقاضای ۲ میلیون مراسم سالانه نخست ۲۰۲۵ و برابر شده و این روند صعودی همچنان ادامه دارد.

وقتی عروسی، سیاسی می‌شود

در حالی که مراسم ازدواج برای میلیون‌ها آمریکایی نماد آغاز زندگی مشترک است، امروز به صحنه پر خورده تعرفه‌ها، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی بدل شده است. سیاست‌های تجاری، از دوردست‌ترین مزارع گل در هلند گرفته تا خیاط‌خانه‌های گوانگژو، اثر مستقیم خود را روی میز جشن‌های عروسی در آتلانتا و سن دیه‌گو می‌گذارد. عروس و دامادهای امروز، دیگر فقط نگران رنگ گل‌ها یا نوع غذای نیستند؛ بلکه باید حساب کنند که چقدر از جیب‌شان صرف سیاست‌های اقتصادی کاخ سفید و سکندار ماجراجوی آن، دونالد ترامپ، می‌شود.



چهار روز

ترند «تماس شب به‌خیر» در تیک‌تاک که در آن مردان با یک تماس ساده به دوستان‌شان شب به‌خیر می‌گویند، به سوزهای بامزه برای رابرت دنبرو و مارتین اسکورسیزی تبدیل شد. در ویدئویی از جشنواره ترابیکا، دنبرو ۸۱ ساله با اسکورسیزی تماس می‌گیرد و می‌گوید: «زنگ زدم بهت شب به‌خیر بگم. خوب بخوابی.» اسکورسیزی، گیج و خندان، می‌گوید: «ببینم، این به ترند بود؟» این لحظه صمیمی، رفاقت ۵۰ساله این دو اسطوره سینما را نشان می‌دهد. همکاری آن‌ها از «خیابان‌های پایین شهر» (۱۹۷۲) تا «راننده تاکسی» (۱۹۷۶)، «گاو خشمگین» (۱۹۸۰) و «مرد ایرلندی» (۲۰۱۹) شاهکارهای متعددی برای دوستداران سینما خلق کرده است. گفتنی است، این ترند، فراتر از طنز، نیاز به ارتباط انسانی را یادآوری می‌کند و شاید همین تماس ساده، جرعه همکاری بعدی این دو دوست قدیمی را زده باشد.

عکس روز

نان گمشده، کودک ربوده شده

۵ میلیون کودک افغان تا اکتبر ۲۰۲۵ در آستانه گرسنگی بحرانی اند



در میانه هیاهوی جنگ‌ها و در سایه بی‌تفاوتی جهانی، افغانستان در آستانه فاجعه‌ای خاموش و فراگیر قرار دارد: فاجعه‌ای که در آن، کودکان با شکم‌های خالی و استخوان‌های نمایان، بهای دنیای بی‌رحم سیاست، فقر و فراموشی را می‌پردازند. بر پایه هشدار جدید صندوق

نجات کودکان، تا اکتبر ۲۰۲۵، حدود پنج میلیون کودک افغان، یعنی یک‌پنجم تمام کودکان کشور، با گرسنگی بحرانی روبه‌رو خواهند شد. این وضعیت، بخشی از بحران گسترده‌تری است که طبق گزارش طبقه‌بندی امنیت غذایی آی‌پی‌سی، ۱۲.۴ میلیون نفر، معادل ۲۸ درصد کل جمعیت را با ناهنجاری غذایی شدید مواجه کرده است. از این میان، دست‌کم ۲.۴ میلیون نفر در آستانه قحطی اند و شمارشان رو به افزایش است.

در یک سال گذشته، کاهش ۴۰ درصدی بودجه جهانی برای کمک‌های غذایی، دسترسی به غذا را از ۱۴ درصد جمعیت به تنها یک درصد رسانده است. این کاهش بودجه، نه فقط بشقاب‌های خالی را بیشتر که کل نظام سلامت کشور را هم فلج کرده است: تعطیلی ۴۲۰ مرکز بهداشتی، ۳ میلیون نفر را از خدمات درمانی محروم کرد؛ در کشوری که پیش‌تر نیز ۱۴ میلیون نفر هیچ‌گونه دسترسی به درمان نداشتند. سمیرا سید رحمان، رئیس بخش حمایت صندوق نجات کودکان، در توصیف این وضعیت می‌گوید: «گرسنگی و سوءتغذیه بحران‌هایی خاموش اما قابل پیشگیری‌اند. وقتی بودجه‌ها قطع می‌شود، مادران باید فشار بر منابع غذایی و درمانی را دوچندان بین‌نان و درمان فرزندان‌شان یکی را انتخاب کنند.» در سال ۲۰۲۴، ۱۰۰ هزار کودک را تحت درمان

قرار دهد حال آنکه پیش‌بینی‌ها می‌گویند تا مه ۲۰۲۵، دست‌کم ۳.۵ میلیون کودک ۵ تا ۶ ماهه دچار سوءتغذیه خواهند شد و از این میان، ۸۷۰ هزار نفر به شکل حاد و تهدیدکننده حیات. اما تغذیه نامناسب تنها مشکل نیست. یونسف گزارش می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد کودکان زیر پنج سال دچار کم‌خونی‌اند و بیش از ۲.۱ میلیون زن باردار یا شیرده به حمایت تغذیه‌ای فوری نیاز دارند. این در حالی است که سیل‌های مرگبار مه ۲۰۲۴، با تخریب ۷۴ هزار هکتار زمین کشاورزی، تولید گندم را ۳۰ درصد کاهش داده و هم‌زمان، بازگشت حدود ۱.۴ میلیون مهاجر از ایران و پاکستان، فشار بر منابع غذایی و درمانی را دوچندان کرده است. در چشم‌اندازی تیره‌تر، کاهش ۶۰ درصدی تولید کشاورزی در بی

چرخه‌ای از فقر و بهره‌کشی است: بیش از ۱.۲ میلیون کودک ناچار به کار اجباری‌اند و ۹۰ درصد خانواده‌ها برای تهیه ساده‌ترین مواد غذایی، ناگزیر به گرفتن وام‌اند. صندوق نجات کودکان که از سال ۱۹۷۶ در افغانستان فعال است، اکنون خواهان واکنش فوری جهانی شده. آرشاد مالک، یکی از مدیران این سازمان، هشدار می‌دهد: «تنها ۱۶ درصد بودجه بشردوستانه سال ۲۰۲۴ تأمین شده، در حالی که نیمی از جمعیت به کمک نیاز دارند. این فاجعه، به‌ویژه زنان و کودکان را هدف گرفته و آینده یک نسل را تهدید می‌کند.» در جهانی که چشم‌ها به‌طور کلی به جنگ‌ها و بازی‌های قدرت دوخته شده، کودکان افغانستان در سکوت می‌میرند. گرسنگی، اگر چه تیتز اول خبرها نیست اما مرگ‌آورترین سلاح این روزهاست.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



مونیکا بلوچی و سلمان خان در فیلمی محصول عربستان سعودی

فیلم «هفت سگ» (The Seven Dogs) با سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیون دلاری عربستان سعودی، آماده فتح گیشه‌های جهانی است. اولین تیزر این اکشن پرهیجان، حضور ستارگان جهانی مونیکا بلوچی و سلمان خان را در کنار چهره‌های مطرح عرب تأیید کرد. این فیلم که در ریاض فیلمبرداری شده، تا پایان ۲۰۲۵ اثران خواهد شد. داستان «هفت سگ» ماجرای نبردی نفسگیر برای جلوگیری از گسترش مواد مخدر خطرناکی در خاورمیانه است. احمد عز در نقش مأمور اینترپل و کریم عبدالعزیز در نقش مقام ارشد سندیکای جنایی «هفت سگ» رودرو می‌قرار می‌گیرند. کارگردانی این اثر به‌عهده بلال فلاح و عادل

العربی است که با «پسران بد برای همیشه» و «پسران بد: بران بایمیر» فروشی ۸۳۰ میلیون دلاری را رقم زده‌اند. طرح داستان نیز از ترکی آلی شیخ، رئیس اداره کل رفاه عربستان و فیلمنامه‌نویسی برعهده محمد الدیاج بوده است. تهیه‌کننده فیلم «یوان انکینسون» خالق «جنتلمن‌ها» است. ترکیب چندملیتی بازیگران و حمایت فرهنگی عربستان، «هفت سگ» را به پروژه‌ای بی‌سابقه تبدیل کرده که می‌تواند سینمای منطقه را در سطح جهانی مطرح کند. همچنین، حضور مونیکا بلوچی، نماد زیبایی و استعداد سینمای ایتالیا، در کنار سلمان خان، سوپرستار بالیوود، ترکیبی غیرمنتظره و جذاب را رقم زده که می‌تواند پلی فرهنگی میان سینمای شرق و غرب باشد.

تلوزیون



وال استریت ژورنال، تیتز و عکس اصلی خود را به بازگشت کهنه‌سربازان آمریکایی جنگ جهانی دوم به فرانسه پس از ۸۱ سال برای شرکت در سالگرد نبرد نورماندی اختصاص داد.

فایننشال تایمز، عکس و تیتز اصلی خود را به فروکش کردن دعوی لفظی و مجازی دونالد ترامپ و ایلان ماسک با پادرمیانی دوستان مشترک این دو اختصاص داد.



کنشگری محیط‌زیستی

با اقدامات هنری و اعتراضی

هنرمحکوم بی صدا

وقتی دغدغه‌های محیط‌زیست به هنر حمله می‌کند



در روزگاری که تغییرات اقلیمی بیش از سخنان پرطمطراق دولت‌ها، به نمایه‌هایی در زندگی تک‌تک ما تبدیل شده است؛ تگرانی برای آینده کره زمینی که زودتر از تصور، پایانش روبه‌روی ما قرار گرفته نه تنها شعار نیست که باید به بخشی از مطالبه‌گری فردی و جمعی بدل شود. دیگر حتی لازم نیست که شما اخبار دهشتناک اقلیمی را در رسانه‌ها دنبال کنید، همین که زمستان گرم و تابستان غیرقابل تحمل را حس می‌کنید، کافی است تا از خطری که شما را تهدید می‌کند مطلع شده باشید. دیگر لازم نیست نگران قطب جنوب باشید که یخ‌هایش آب شده‌اند، یا گزارش الودگی صنایع بزرگ جهانی را جستجو کنید؛ کافی است نفس بکشید! آنچه حس می‌کنید ترکیبی از بوی دود و خاک است. کافی است یک روز مصرف آب بیشتری داشته باشید، حتما کسی در اطراف‌تان متذکر می‌شود که کم‌آبی مشکل ایران است و به زودی ما دیگر آب نخواهیم داشت. کافی است برای سفر به سمت ارومیه بروید، دیگر از آن دریاچه نمک که مقصد گردشگری بود و گوشه جاده چشم‌نوازی می‌کرده خبری نیست. کافی است به فصول که شده شهرتان توجه کنید، ایران چهار فصل، کم‌کم فصل‌هایش را از دست می‌دهد! کافی است تنها به اطراف‌تان نگاه کنید.

ما، همه کنشگران محیط‌زیست

با افزایش بحران‌های محیط‌زیستی حالا دیگر دغدغه تغییرات اقلیمی و آینده زندگی بشر روی کره خاکی، دیگر تنها دغدغه گروه کوچکی از فعالان محیط‌زیست نیست. حالا بسیاری از افراد به آنچه در زندگی معمولی‌شان متأثر از این تغییرات احساس می‌کنند معترض‌اند، بسیاری از این معترضان به صف فعالان محیط‌زیست پیوسته‌اند. حالا دیگر بسیاری می‌دانند قطع هر درخت روی زمین چه تبعاتی برای خودشان و فرزندانشان دارد. حالا دیگر بسیاری می‌دانند هر کدام از صنایع در چرخه بزرگ اقتصاد چه لطمه‌ای به آینده پاک زمین وارد می‌کنند. همین عیان شدن خطراتی که بیخ گوش‌مان است، دلیلی برای افزایش آگاهی و کنشگری بوده است. کنشگری که گاه با سامان‌دهی نهادهای فعال محیط‌زیستی نمود بیرونی پیدا می‌کند و گاه به رفتارهای فردی منجر می‌شوند.

اقدامات سیاسی یا سیاست‌اقدامی

مجموع اقداماتی که در سال‌های اخیر برای نجات محیط‌زیست انجام شده، بسیارند. اکثر این اقدامات برای جلب توجه دولت‌های جهان به کاهش سوخت‌های فسیلی، آسیب‌رساندن به محیط زیست و استفاده‌ی رویه‌ای از منابع طبیعی در چرخه پول‌آور و سیاست‌زده بود است. این در حالی است که دولت‌های جهان، هر ساله، از سال ۱۹۹۲، در کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد دور هم جمع می‌شوند تا طی مذاکراتی برای کاهش خطرات تغییرات محیط‌زیستی، به راه کارهای مشترک و الزام‌آور جهانی برسند. نشست‌های COP بیش از هر چیز فعالیت‌نمادین رهبران جهان است که باید در لوای اقدامات بشر دوستانه انجام شود. آنچه مسلم است دغدغه‌مندی برای محیط‌زیست در عرصه سیاست، اقدامی نمایشی است. اما مردم کره‌زمین سال‌هاست که در مقابل نمایش گرداندگان سیاسی جهان ایستاده‌اند تا آنان را وادار به تغییر رویه دهند.

پرفورمنسی برای محیط‌زیست

بااین‌همه قصد این گزارش بررسی تصمیمات محیط‌زیستی سیاستمدار جهان، یا میزان تأثیرگذاری اقدامات نهادهای فعال محیط‌زیستی در تغییرات سازنده به نفع زمین نیست؛ آنچه مورد توجه است، گزارشی است که چندی پیش روزنامه نیویورک تایمز از یک پرفورمنس عظیم برای مقابله با خطرات محیط‌زیستی منتشر کرد.

هنر: هر جا کلام از توان می‌ماند

یک نمایش عمومی که گروهی از هنرمندان دغدغه‌مند و در یک حرکت نمادین با سفری دو ماهه، قرار است توجه جهان را به تغییرات اقلیمی جلب کنند. آنان نمایش‌شان را در قالب یک پرفورمنس عظیم در حال حرکت طراحی کرده‌اند تا به واسطه مجسمه‌های غول‌پیکر حیوانات به جهان هشدار محیط‌زیستی خود را مخابره کنند. اقدامی که به واسطه دغدغه‌مندی این گروه هنرمند در استفاده از مواد تخریب‌پذیر طبیعی در ساخت مجسمه‌ها و توجه به کم‌آلوده‌ترین روشی که در طول مسیر سفر خود انتخاب کرده‌اند؛ پیمای روشن ساخته و جهان را متأثر از اقدام خود کرده است. آنان نام خود را «گله‌ها» گذاشته‌اند، گله‌ای که هنر را در خدمت گرفته‌اند تا برای نجات کره زمین کاری کنند. آنان نیز همچون بسیاری از هنرمندان معتقدند زبان هنر، زبان گویای

هنر



گزارشی از پروژه جهانی «گله‌ها» با ترکیب مجسمه‌سازی، تئاتر خیابانی و کنشگری اقلیمی

نبرد هنر برای تغییر اقلیم

پروژه‌ای برای تحریک تفکر، تشویق مشارکت و الهام‌بخشی برای تغییر واقعی در مواجهه با بحران اقلیمی



نوشین آذرنگ

هفت صبح

از آفریقا تا مدار شمالگان، گله‌ای از حیوانات عظیم‌الجثه، ساخته شده از پارچه و نی خیابان‌های شهرها را درمی‌نوردند. این‌ها حیوانات واقعی نیستند، مجسمه‌های متحرکی‌اند که در قالب یک نمایش عمومی به نام «گله‌ها» قرار است قاره‌ها را بیمایند. پروژه‌ای جهانی که هنر مجسمه‌سازی، پرفورمنس خیابانی و کنشگری اقلیمی را درهم آمیخته تا صدای بحران اقلیم را بی‌واسطه و ملموس به دل شهرها می‌برد.

مجسمه‌هایی که پیام آور اقلیم‌اند

نمایش عمومی «گله‌ها» از آفریقا به اروپا و سپس به مدار شمالگان می‌رود تا فریادی برای کنش و تغییر باشد. برای فریادی که قرار است به سراسر جهان مخابره شود، مجسمه‌های متحرکی از حیوانات در اندازه واقعی استفاده شده‌اند؛ هرچند با توجه به ابعادی که این مجسمه‌ها دارند استفاده از واژه «عروسک» حق مطلب را ادا نمی‌کند. هدف سفر عظیم گله‌ها به قاره‌ها که از ماه آوریل آغاز شده است رفتاری نمادین برای گریز از فاجعه اقلیمی است. این اقدام نمادین به زودی و در کمتر از دو ماه نگاه بسیاری را به سوی خود جلب کرده است.

مسیر گله، از کنگو تا شمال دور نروژ

نخستین گروه این پرفورمنس عظیم سفر خود را از حوضه کنگو آغاز کردند. گروه اولیه حیوانات شامل یک زرافه، دو گورخر، یک شیرماده، گاو وحشی، گوریل، بایون و شامپزه است که به همراه گرداندگان انسانی‌شان از جنگل بیرون آمدند و سه روز را در «کنش‌شاسا» و اطراف آن گذراندند. این گله در مرکز شلوغ شهر رژه رفت و در برج نمادین ایشانزور کینشاسا با گروه طبل‌نوازان محلی و جمعی از هنرمندان کنگویی دیدار کرد. سپس گله‌ها از طریق لاگوس و داکار در ساحل غربی آفریقا به سوی مراکش و کارابالانکا پیش رفتند. ماه ژوئن، آن‌ها با یک توقف کوتاه در ونیز ایتالیا از راه مادرید و بارسلونا در اسپانیا به فرانسه سفر خواهند کرد. سپس به لندن و منچستر می‌رسند و پس از آن کینشاک و استکهلم، مقصد نهایی تروندهایم در شمال دور نروژ است؛ جایی که در ۳۰ ژوئیه گله‌ها در رویدادی باشکوه و نامشخص، نقطه اوج پرفورمنس خود را برگزار می‌کنند. مراسمی که با نگاهی به «سنت‌های باستانی مردم سامی» (بومیان شمال اسکاندیناوی) در جشنواره بین‌المللی اولافسفست برگزار خواهد شد. جشنواره بین‌المللی اولافسفست، رویداد فرهنگی سالانه تروندهایم نروژ است که با برنامه‌های متنوع و تمرکز بر ارزش‌های جهانی برگزار می‌شود.

زیبایی و خشم موجوداتی که به دنبال تغییرند عروسک‌ها به همراه هنرمندان مستقر در آفریقای جنوبی شامل «اوکواندا»، «کریگ لنو»، «سایمون دانکلی» و «هانسی ویسایگی»، به همراه کارگردان هنری پروژه «امیر نزار زعبی»، نمایشنامه‌نویس و کارگردان فلسطینی، این حیوانات را ساخته‌اند. مجسمه‌های حیوانی که از نظر زیست‌شناختی دقیق بسیار دقیق هستند. این مجسمه‌ها تنها از مواد طبیعی و زیست‌تخریب‌پذیر عمدتاً مقوا و تخته سه‌لای ساخته شده‌اند. در جبهه‌های مقوایی مقاوم ذخیره و حمل می‌شوند که در صورت آسیب، برای تعمیر مجسمه‌ها استفاده می‌شوند. بین شهرها، حیوانات و تیم گله‌ها با قطار و یا کمترین تعداد خودرو سفر می‌کنند. اعضای تیم تنها در آغاز و پایان پروژه، زمانی که گزینه دیگری

انتقال مفاهیمی است، که هر گاه کلام از توان بازمی‌ماند می‌تواند جایگزین مناسبی باشد. آنان نیز در روزگاری که کلام از توان بازمانده، هنر را برگزیدند.

هدف: نجات محیط‌زیست یا کشتن هنر؟

با وجود این اقدام شگفت‌آور که از آفریقا آغاز شده و پس از عبور از ۱۱۸ کشور در شمالی‌ترین کشور نروژ به پایان می‌رسد؛ همیشه اقدامات محیط‌زیستی چنین شکوهمند و بی‌آسب نبوده است! در سال‌های گذشته بارها تگرانی برای محیط‌زیست در قالب اقداماتی پیش رفته که نه تنها پیام‌آوری برای دغدغه‌مندی نبوده‌اند که حتی گاه جهان را در بهت این نوع واکنش فروبرده است. اقدامات تند و افراطی که زیر لوای محیط‌زیست، هنر را هدف قرار دادند. در جهانی که هنر زبانی برای انتقال معانی است، برخی از فعالان محیط‌زیست برای رساندن پیام خود، هنر را مخدوش کرده‌اند.

مونالیزا! هدف پاشیدن سوپ قرار گرفت!

سال گذشته، دو فعال محیط‌زیست بر تابلوی مشهور مونالیزا در موزه لوور کاسه سوپ پاشیدند. آنان به وقت این حرکت که آن را نمادین خواندند، شعاری را فریاد زدند: «چه چیزی مهم‌تر است؛ هنر یا حق برخورداری از غذای سالم و پایدار؟» فریادهای آنان ادامه داشت: «سیستم کشاورزی شما بیمار است. کشاورزان ما سر کار جان می‌دهند». این دو زن، تی‌شرت‌هایی به تن داشتند که رویش شعار دیگری نوشته شده بود: «ضد حمله غذایی». آنان عضو یک گروه فعال محیط‌زیستی بودند که بعد از این حرکت در بیانیه منتشر شده‌اش در شبکه ایکس نوشت: «مدل کنونی تغذیه، افشار آسیب‌پذیر را نادیده می‌گیرد و حق بنیادین ما برای برخورداری از غذا را زیر پا می‌گذارد». این دومین باری بود که نقاشی مونالیزا هدف فعالان محیط‌زیست قرار گرفت. دو سال قبل‌تر یک فعال محیط‌زیست کیکی به سمت این نقاشی پرتاب کرد تا شعارش «اندیشیدن به زمین» را به گوش جهان برساند. حالا سال‌هاست این تابلو هنری قرن شانزدهمی پشت شیشه مقاوم قرار گرفته تا در امان بماند. وزیر فرهنگ فرانسه در واکنش به سوپ پاشیدن به مونالیزا در شبکه ایکس نوشت: «مونالیزا مانند میراث ما، متعلق به آینده است».

دستان قرمزی که بر تابلو نشستند

یکسال پیش از این نیز موزه استکهلم شاهد چنین اقدامی بود. دو فعال محیط‌زیست، روی تابلو «باج هنرمند در چوئرنی» اثر کلود مونه، رنگ قرمز پاشیدند و دستان قرمز خود را بر شیشه‌ای که از نقاشی محافظت می‌کند چسبانده‌ند. موزه استکهلم در بیانیه‌ای این اقدام را «تخریب عمدی شدید» خواند و آثار هنری را میراث فرهنگی نسل‌ها دانست که نباید مورد حمله یا تخریب قرار بگیرند. پس از این اقدام، یک سازمان فعال محیط‌زیستی، این اقدام را بر عهده گرفت.

مکرون را دزدیدند

در آخرین نمونه از این اقدامات، مجسمه مومی اماتوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از موزه گرون دزدیده شد. انانی که دست به این اقدام زدند گرچه دو کنشگر محیط‌زیستی بودند اما این بار درخواست‌شان سیاسی بود. آنان با دزدیدن مجسمه رئیس‌جمهوری و قرار دادن آن مقابل سفارت روسیه و شرکت برق فرانسه، خواستار اتمام روابط کشورشان با روسیه شدند. درنهایت این دو کنشگر به جرم سرقت یک اثر هنری راهی دادگاه شدند.

میراث هنری محکومین بدون صدا

این موارد تنها نمونه‌های شناخته شده‌تر از اقداماتی است که در سال‌های اخیر با بهانه انتقال پیام‌های محیط‌زیستی، هنر را هدف قرار دادند. اما سوال این است، چرا برای نجات زمین میراث هنری باید مورد هدف قرار بگیرند. گرچه تمام بیانیه‌هایی که پس از اقدامات این چنینی صادر می‌شود، استفاده از آثار هنری را بهترین راه برای رساندن پیام معرفی می‌کند. این فعالان و دغدغه‌مندان معتقدند که برای برانگیختن توجه و واکنش باید میراثی را از بین برد تا میراث دیگری را نجات داد!



قصد این گزارش بررسی تصمیمات محیط‌زیستی سیاستمدار جهان، یا میزان تأثیرگذاری اقدامات نهادهای فعال محیط‌زیستی در تغییرات سازنده به نفع زمین نیست. چرا که مجموع اقداماتی که در سال‌های اخیر برای نجات محیط‌زیست انجام شده، بسیارند. اما سوال این است، چرا برای نجات زمین میراث هنری باید مورد هدف قرار بگیرند؟



این اثر حماسی با همکاری سازمان‌های اقلیمی و هنری محلی و بین‌المللی، از جمله صندوق جهانی طبیعت (WWF)، اتحاد جهانی بازسازی طبیعت، آفریقای وحشی، شمارش معکوس ند و شورای هنر انگلستان و افراد بی‌شماری در هر مکان در حال تحقق است. بخش کلیدی پروژه این است که این گله روبه‌رشد از حیوانات (و انسان‌های همراه) با هر محیط جدید تعامل کنند و مجموعه‌ای غنی از رویدادها، دیدارها و تعاملات را در هر شهر به راه بیندازند. اکنون گله‌ها پیش از ورود به اروپا از ماه ژوئن فعلاً توقف کرده‌اند. بسیاری از فعالیت‌هایشان به صورت فی‌البداهه انجام می‌شود. چنین به نظر می‌رسد با توجه به عظمت این مهاجمان مقوایی و توانایی آن‌ها در ظاهر شدن در مکان‌های کاملاً عمومی، انتظار می‌رود توجه گسترده عمومی (و آنلاین) را جلب کند.

فراتر از کلان‌شهرها

همکاری چشمگیری بین گله‌ها و سازمان‌های ملی بریتانیا وجود دارد؛ که این خیریه بیش از ۴۴ موزه، گالری، بنیاد و خانه تاریخی در بریتانیا را دعوت به حمایت از گله‌ها و دیگر جنبش‌های کنش اقلیمی بین‌المللی می‌کند.

عمل به آنچه موعظه می‌کنید

تا زمانی که گله‌ها به مقصد نهایی خود در تروندهایم در نروژ برسند، بیش از ۲۰ هزار کیلومتر را طی کرده و هزاران نفر را در سراسر جهان درگیر کرده‌اند. با وجود مسافت‌های عظیم و برگزاری رویدادهای گوناگون، گله‌ها به آنچه موعظه می‌کنند پایبندند و اثر زیست‌محیطی خود را در طول این مسیر در حداکثری‌ترین شکل قرار خواهند داد. این پرفورمنس برخلاف بسیاری از پروژه‌های به ظاهر سبز، پایداری محیط زیست و شعار اقلیمی خود را از ابتدا در همه جنبه‌های عملیاتش گنجانده است.

این پروژه برجسته بار دیگر توانایی و پیشگامی هنر را نه فقط در جلب مخاطبان برای انتقال مهم‌ترین پیام‌ها، بلکه در نشان دادن چگونگی دستیابی به حداکثر تأثیر با پیدارترین روش‌ها تأیید می‌کند.



بی‌قانونی در نشر

● کتاب‌سازی و مقاله‌سازی بی‌وقفه اعتبار علمی و ادبیات ایران را تهدید می‌کند و خواننده را در انتخاب سردرگم می‌کند



مهسا کلانکی
هفت صبح

قصه کتاب‌سازی، مقاله‌سازی و فربه کردن رزومه‌های علمی تمامی ندارد. پرداخت به این اتفاق نیز نباید تمامی داشته باشد. گرچه به نظر گوش شنوایی برای تمام این حرف‌ها که بارها زده شده وجود ندارد اما لزوم گفتن از بلایی که بر سر نشر آمده است تا روزی که تغییری حاصل شود لازم است. تا روزی که افرادی از تألیفات دیگران در کتاب و مقاله، نام پوشالی برای خود می‌سازند و بر طمطراق در هفته‌ها و برنامه‌های مرتبط عنوانی به عناوین خیالی خود می‌افزایند. با وجود اطلاع‌رسانی‌ها و

افشاگری‌هایی، نه هنوز آنان بر خود آمده و دست از رفتار دروغین خود برداشته‌اند و نه سیاست‌های بازدارنده اعمال می‌شود. وقتی این کتاب‌های جعلی به راحتی با ۱۰۰ نسخه توسط یک ناشر منتشر می‌شوند و وزارت ارشاد نیز بدون سخت‌گیری تنها به چند کلمه و جمله بسنده می‌کند اما درواقع نه بازدارنده انتشار، نه متوقف‌کننده این مسیر است. ارشاد بدون توجه به محتوا که آیا کتاب انتحال است، خرافه است یا حتی اینکه کسی بدون هیچ زحمت و رنجی نسخه‌ای از کتاب اصل را از اینترنت دانلود کرده یا از کتابخانه تصویری برداشته؛ مجوز انتشار می‌دهد. همین نسخه پذیرفته شده بدون مقدمه و موخره علمی به دست ناشر سپرده می‌شود. کتاب چاپ نشده، در سایت‌های خبری چنین می‌چرخد: «بدین وسیله به اطلاع می‌رساند فلان کتاب از سلسله یا مجموعه کذا به بازار نشر عرضه شد.»

کپی‌رایت ایرانی، بدون لزوم قانونی!

ماجرای فقط افزون شدن بر لیست مولفان نیست! اینکه در این روزگار هر کسی می‌تواند نویسنده باشد هم نیست. این تنها بخشی از ماجراست. مهم‌تر از این حقی است که از نویسنده و مولف اصلی ناحق می‌شود. حقی که به واسطه خلأ قانونی نادیده می‌شود و هیچ مرجع قانونی یا حقی برای مقابله با این اتفاق وجود ندارد. قانون «کپی‌رایت»، قانونی جهانی برای حفاظت از میراث خالقان در عرصه‌های مختلف. عدم حضور ایران در این قانون جهانی، در تمام سال‌های گذشته بسیاری از خالقان و مولفان آثار در رشته‌های مختلف را با مشکلات بزرگی مواجه کرده است. تا جایی که برخی از هنرمندان و نویسندگان از

آسانی باز می‌شود؛ هم گونه ناب و نیک در بازار هست و هم گونه بد و بر ساخته. نمی‌توان گفت که یکی از این دو گونه نباشد. این هنجار بازار است. در کتاب هم که کالای فرهنگی است، داستان همین است. بر خواننده است که بتواند نیک را از بد و سره را از ناسره باز شناسد و گر نه شما نمی‌توانید کارسازی بیابید که کتاب بد، بی‌پایه نشر نشود.»

تلاش راستین به چشم خواهد آمد

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به این پرسش که این روند موجب نمی‌شود که حق پژوهشگران تضییع شود، توضیح می‌دهد: «بی‌گمان؛ اما چاره نیست. از دیگر سوی آن چنان که در آن داستان پارسی گفته شده: تا بد نباشد، نیک آن چنان که می‌سزد شناخته نخواهد شد. هر چیز را ما با وارونه و ناساز آن می‌توانیم به بهترین شیوه بشناسیم. از این دید می‌توان گفت که تلاش نویسندگان و پژوهندگان راستین، نه تنها تباه نخواهد شد بلکه بیشتر به چشم خواهد آمد و شناخته خواهد شد.

کتاب‌سازان باید تحت تعقیب قرار بگیرند

کزازی درباره ممیزی و تأثیر آن در کیفیت کتاب‌ها می‌گوید: «تنها راهی که از دید من راه شایسته نیست، ممیزی کتاب است. پیامدهای این کار از دید من زیان‌بارتر از سود آن است.» این استاد دانشگاه افزود: «در کشوری که مدرک‌گرایی بسیار زیاد است این خطر وجود دارد که افراد با کتاب‌سازی، مقاله‌سازی و دزدی از مال دیگران به راحتی ترفیع پیدا کنند». بنابراین به شدت باید بر خورد قضایی شود و مکان‌هایی باشند که با آن‌ها برخورد کنند. بخش اعظمی از این مجرمین بیشتر مدرک‌گرا هستند و شایستگی‌اش را هم ندارند. جایی هم نیست که تحت تعقیب قرارشان دهد به همین دلیل به سرقت کار دیگران می‌پردازند.»

پدیدآورندگان و ناشران باید اوضاع را سامان دهند

او در پاسخ به این پرسش که برای کاهش پخته‌خواری چه تدبیری باید اندیشید؟ تصریح کرد: «هر زمان که در ارزیابی و داوری‌ها، آگاهی و چیرگی کارشناسانه و تخصص لازم به کار رود، بی‌گمان آن ارزیابی به‌گونه‌ای به هنجار و ورزیده‌تر انجام خواهد گرفت. به عقیده من تمام کسانی که با کار پدیدآوردن، پراکندن و نشر کتاب در پیوند هستند می‌توانند آن را سامان دهند. آنچه بایسته است و گریزی از آن نیست سهمیم بودن افرادی است که با نوشتن، پدیدآوردن، تناقض‌ها و دشواری‌های چاپ و نشر آگاه هستند. تا این افراد بتوانند در ارزیابی و داوری کتاب که امری بس دشوار و سرنوشت‌ساز است، موفق باشند.»

کتاب‌های بیهوده و بر ساخته

کزازی در پاسخ به این پرسش که برخی متون کهن چندین بار با تصحیح‌های مختلف منتشر می‌شوند، دیدگاه شما در این باره به عنوان یک استاد دانشگاه چیست؟ گفت: «بی‌گمان پاره‌ای از ویرایش‌ها از متن‌های کهن را که پیش‌تر با رنج و پراسازی توانمند به چاپ رسیده است، کسی شتابزده در پی نان یا نام دوباره به چاپ می‌سازد؛ چند واژه را معنی می‌کند. دیباچه‌ای کم و کوتاه پدید می‌آید، به درستی در شمار کتاب‌های بیهوده و بر ساخته است.»

نامیدی رسیدن صدای حق خواهی‌شان دست از مالکیت اثر خود شسته‌اند و فقط به صاحب متعدد اثر شان نشسته‌اند. از سوی دیگر اما همین عدم وجود قانون کپی‌رایت باعث شده که آثار غیرایرانی بدون مجوز در ایران مورد استفاده قرار بگیرند. نمونه آن استفاده از کتاب‌هایی که در نقطه‌ای در جهان به چاپ می‌رسد و در ایران به راحتی برای ترجمه، در دسترس است. معذود مترجمانی هستند که برای ترجمه سراغ از نویسنده اصلی را گرفته و با کسب اجازه از او اثرش را به زبان فارسی برمی‌گردانند. بسیاری بدون نیاز به این التزام اخلاقی دست به ترجمه می‌زنند. این بسیار به حقوق مترجمان هم‌زبان خود نیز ملتزم نیستند. به همین خاطر است که بارها دیده شده یک کتاب با چندین ترجمه متعدد در بازار یافت می‌شود. ترجمه‌هایی که گاه به دلیل ارائه نسخه بهتر یا به روزتر توسط مترجمان صاحب‌نام انجام می‌شود و گاهی فقط از سر هوس آثار زیاد داشتند. در سال‌های اخیر اما همین عدم نظارت وزارت ارشاد به محتوا، تعدد صاحبان اثر یا مترجمان یک اثر باعث شده که هر فردی بتواند با ترجمه‌ای جعلی قدم در این میدان بگذارد و نامش در کنار بزرگان قرار بگیرد. علاوه بر اینکه همین کتاب‌سازی‌ها برای نام، باعث می‌شود که مخاطب در انتخاب کتاب بارها به اشتباه بیفتد. درحالی که نمی‌توان انتظار داشت مخاطبان کتاب، تمام نویسندگان و مترجمان ایرانی را بشناسند. پس دور از ذهن نیست که آنان به وقت انتخاب بارها دچار اشتباه شوند. بارها کتاب‌ها و ترجمه‌هایی را بخردند که نه تنها واقعی نیستند که هیچ ارزش افزوده‌ای برایشان ایجاد نخواهد کرد.

ضرورت احساس نشده‌ای که نیاز به بررسی دارد

در سال‌های اخیر مقالاتی مستدل به قلم صاحب‌نظران در ضرورت پیوستن ایران به میثاق جهانی «کپی‌رایت» نوشته شده است. البته بودند کسانی که در مخالفت با این اقدام بارها در مجلات و نشریات جدی گفته‌اند. بارها این بحث به کانون توجه نویسندگان و ناشران جلب شده است. اما آنچه تاکنون اتفاق نیفتاده است، توجه مسئولان وزارت ارشاد و سایر تصمیم گیرندگان دولتی درخصوص ضرورت الحاق به این پیمان بوده که به نظر می‌رسد اهمیت آن هنوز احساس نشده است. به همین سبب ناشران ایرانی همچنان بدون پرداخت هیچ‌گونه حقوقی به مولف یا ناشر خارجی کتاب او را ترجمه و چاپ می‌کنند. در نتیجه بعضی کتاب‌هایی هم که در ایران انتشار می‌یابد در کشورهای دیگر ترجمه یا تجدید چاپ می‌شوند؛ بدون آن که در این کار حقوق مولفان و ناشران داخلی مراعات شود. این اصلی است که همچنان باید درباره آن بحث کرد و مزایا و معایب آن را با کارشناسی و به درستی و بدون تعصب بررسی کرد و سرانجام تصمیمی که به نفع اهل قلم و نشر ایران باشد اتخاذ کرد.

مقالات کم‌ما به کتاب می‌شوند

میرجلال‌الدین کزازی، شاهنامه‌پژوه و استاد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی معتقد است «در حال حاضر مقالات کم‌ما به کتاب می‌شوند و کسی به آن توجه نمی‌کند.»

خواننده سره از ناسره باز شناسد

او در این باره می‌گوید: «این موضوع در هر زمینه و هر کالایی به

مقالات کم‌ما به کتاب می‌شوند و کسی به آن توجه نمی‌کند. چاره نیست. آن چنان که در آن داستان پارسی گفته شده: تا بد نباشد، نیک آن چنان که می‌سزد شناخته نخواهد شد. هر چیز را ما با وارونه و ناساز آن می‌توانیم به بهترین شیوه بشناسیم. از این دید می‌توان گفت که تلاش نویسندگان و پژوهندگان راستین، نه تنها تباه نخواهد شد بلکه بیشتر به چشم خواهد آمد و شناخته خواهد شد.

نقد، مانع کتاب‌سازی است

این شاهنامه‌پژوه درباره اینکه چرا کتاب‌های تقلیدی افزایش یافته است؟ معتقد است: «این موضوع عامل اقتصادی دارد. عده‌ای می‌خواهند از این راه مشکلات اقتصادی خود را حل کنند. یک عده دیگر هم برای اینکه امتیازات اداری به دست بیاورند. ولی در ادوار کنونی درباره مالکیت معنوی و فکری امکاناتی هست که این موضوع را به حداقل برساند. یکی از این امکانات هم نقد است. نقد بزرگترین مانع برای جلوگیری از کتاب‌سازی است.»

دانش، پدیده گوهری متفکر و محقق

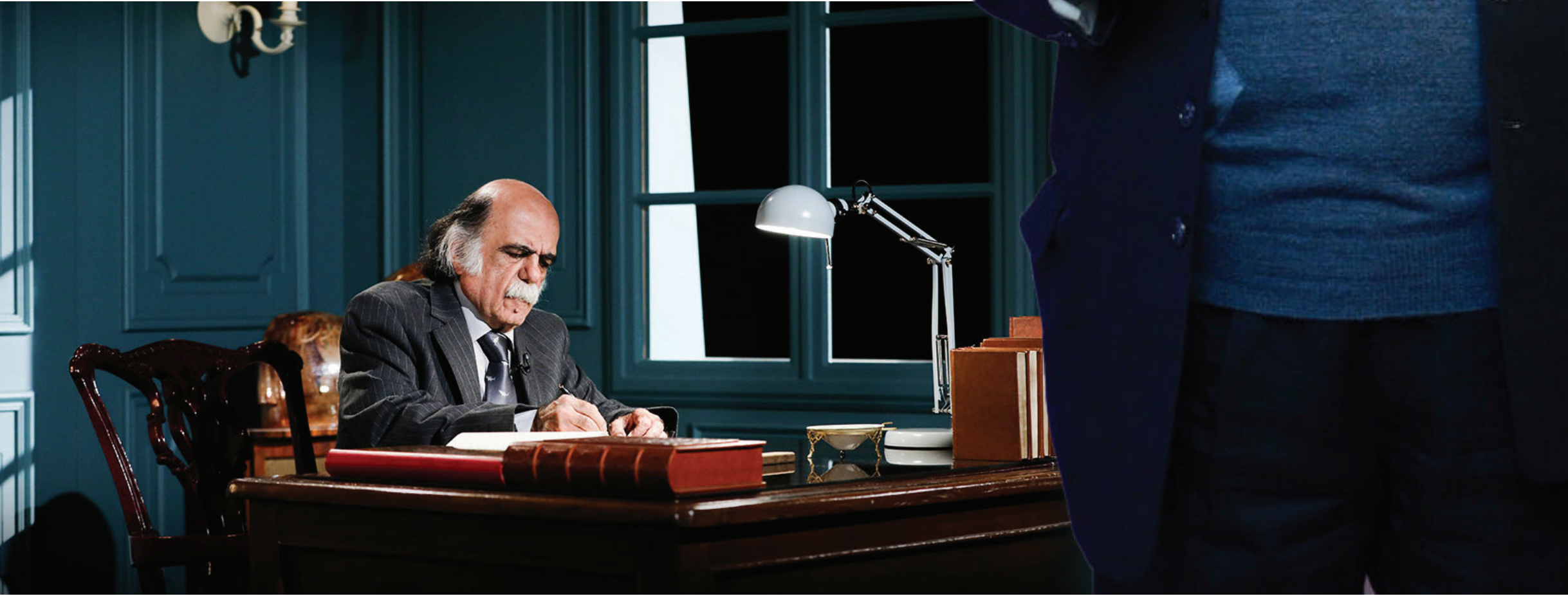
او در توضیح این ممانعت، افزود: «در نقد آثار می‌باید محل انتشار روشن شود. عده‌ای تصور می‌کنند، تحقیق و تفکر مقوله‌ای عرضی است. در حالی که عنصر اصلی دانش، پدیده‌ای گوهری است. یعنی می‌باید رفته رفته در مرحله‌ای از حیات یک متفکر یا محقق، علم به صورت یک گوهر درآید.»

وجدان آگاه نخستین گام برای اصلاح

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که برای مبارزه با ناشران غیر حرفه‌ای چه کاری می‌توان کرد؟ بیان کرد: «در واقع فعالان فرهنگی باید دارای وجدان آگاه باشند. وجدان آگاه، انسانی را که به سوی علم درمی‌آید، اگر پخته‌خواری کند و کار دیگری را به نفع خوشتن ضایع کند به هیچ روی آرام نمی‌گذارد. حال اگر اهلبش به حرمت علم، سکوت کرده‌اند و این موضوع را مطرح نمی‌کنند، بد می‌کنند. به عقیده من آگاهی و شناخت نخستین گام پرهیز از آسیب‌ها و آشوب‌هاست. یعنی وقتی ناآگاهانه وارد این مقولات بشویم، طبیعی است که سخن‌مان رونده است و این آسیب‌ها افزون می‌شود. ولی با همه این امکانات با نقد مؤثر و وجدان علمی می‌توان آسیب‌ها را به حداقل رساند. اگر نگاه همه‌جانبه داشته باشیم، پخته‌خواری جایی باز نمی‌کند و ناشر درک می‌کند این کار ارزش گوهری ندارد، در خور عرضه کردن نیست و این اثر جایی پیدا نخواهد کرد.»

قوانین از پخته‌خواری حراست می‌کنند

او در پایان با ابراز تأسّف عنوان کرد: «متأسفانه قوانینی هست که از این موضوع، پخته‌خواری، حراست می‌کند، برای مثال ناشران پس از آن که سی سال از مرگ مؤلف بگذرد، آثار او را بسیار بد حروفچینی می‌کنند. این تعداد افراد و ناشران در جامعه می‌توانند شناخته شوند.»



قیمت

افزایش شدید قیمت خودروهای وارداتی در کارخانه باعث شده که قیمت بازار آزاد از قیمت نام پایین تر باشد

کارخانه از بازار آزاد جلوزد

علی دولتی

هفت صبح

در حالی که از ابتدای سال ۱۴۰۴ قیمت‌ها در بازار خودرو تحت تاثیر اخبار مذاکرات، روند ثابت و رو به پایینی را تجربه می کرد، چراغ سبز دولت به گرانی مونتاژی‌های چینی و وارداتی‌ها معادلات بازار را به هم زد.

این افزایش قیمت که علاوه بر مونتاژی‌ها شامل خودروهای وارداتی نیز می‌شد، به دلیل افزایش نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی خودروها از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به حدود ۶۷ تا ۶۸ هزار تومان بوده است.

درحالی که افزایش قیمت در مدل‌های مونتاژی از کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان تا نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان بود، در مدل‌های وارداتی شاهد افزایش شدید قیمت‌ها هستیم؛ به طوری که پایه افزایش قیمت از ۵۰۰ میلیون تومان برای برخی خودروهای چینی وارداتی بوده و در برخی مدل‌های آلمانی مونتاژ چین از جمله آئودی و فولکس واگن این جهش قیمت به بیش از یک و نیم میلیارد هم می‌رسد.

برخی از افزایش قیمت‌ها در سال ۱۴۰۴ به شرح زیر است:

آئودی Q۵ ای ترون	
قیمت قبل: ۳٫۹۲۳٫۰۰۰٫۰۰۰	
قیمت جدید: ۵٫۶۵۷٫۳۴۵٫۱۰۰	
فولکس واگن تیراک	
قیمت قبل: ۲٫۹۴۵٫۴۰۰٫۰۰۰	تومان
قیمت جدید: ۳٫۸۵۶٫۵۰۰٫۰۰۰	تومان
فولکس واگن ID۴	
قیمت قبل: ۳٫۷۹۰٫۰۰۰٫۰۰۰	
قیمت جدید: ۴٫۵۹۰٫۰۰۰٫۰۰۰	
میزان افزایش: ۸۰۰ میلیون تومان	
چانگان CS۵۵ پلاس	
قیمت قبل: ۱٫۷۵۸٫۰۰۰٫۰۰۰	
قیمت جدید: ۲٫۲۶۸٫۰۰۰٫۰۰۰	
میزان افزایش: ۵۰۹ میلیون تومان	

این افزایش قیمت باعث شده که اکنون قیمت بازار از قیمت ثبت‌نامی عقب

بماند. در واقع مشتری خودروی وارداتی اکنون می‌تواند خودرو مدنظر خود را

با قیمتی کمتر از قیمت ثبت نام و بدون نیاز به انتظار ۳ تا ۸ ماه برای تحویل،

از بازار آزاد تهیه کند.

درحال که انتظار می‌رفت بازار نیز همزمان با جهش قیمت کارخانه به سمت افزایش قیمت برود اما پیگیری‌های میدانی خبرنگار هفت‌صبح از مناطق مختلف تهران و آگهی‌های فروش اینترنتی حاکی از این است که فروشنده واقعی با قیمتی کمتر از قیمت جدید خودروهای وارداتی حاضر به فروش خودرو خوداست.

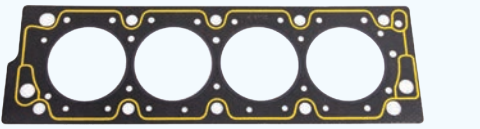
درحال حاضر خودروهای جتا، رنو آرکانا، تویوتا کرولا، هیوندای کونا، فولکس واگن تیراک و ID۴، آئودی Q۵ ای-ترون و... با قیمی پایین‌تر از ثبت‌نام و بدون نیاز به شرکت در قرعه‌کشی و انتظار بیش از ۱۲۰ روز برای تحویل خودرو، در بازار در دسترس‌اند.

در حالی که قیمت کارخانه آئودی Q۵ ای-ترون ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است اما در بازار آزاد این خودرو تا ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده یا خودروی رنو آرکا که قیمت ۳ میلیارد و ۴۹۰ میلیون تومان دارد، در بازار آزاد با قیمت ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان معامله می‌شود.

به نظر می‌رسد با این دست‌فرمان دولت و واردکنندگان، پرسوه وارداتی خودرو که از ابتدا فقط برای قشر بالای درآمدی جامعه انجام می‌شد، از دسترس این طبقه نیز خارج شود. جالب‌تر اینجاست که هدف از واردات خودرو تا سقف ۲۰ هزار دلار، تعدیل قیمت‌ها در بازار و همچنین دسترسی همه دهک‌ها به خودروی وارداتی بود؛ هدفی که اکنون و با این قیمت‌های جدید از همیشه دور از دسترس‌تر است.

تمییرگاه

وقتی واشر سر سیلندر پژو ۴۰۵ قهر می کند



اگر صاحب پژو ۴۰۵ هستید، بهتر است با واژه «واشر سر سیلندر» آشتی کنید؛ چون این قطعه ظاهرآ ساده، یکی از حیاتی‌ترین اجزای موتور است. درست بین بلوک موتور و سر سیلندر جا خوش کرده و وظیفه‌اش آب‌بندی کامل موتور است تا آب، روغن و گازهای احتراق قاطی نکنند اما وای به حال روزی که این واشر بسوزد! آن وقت دیگر فقط با یک تعمیر ساده طرف نیستید، بلکه وارد قلمروی پر خرج «تعمیرات اساسی موتور» می‌شوید.

نشانه‌هایی که نباید از کنارشان ساده گذشت

اولین نشانه‌ای که خودش را نشان می‌دهد، بالا رفتن دمای موتور است. امیر که بالا برود و فن مدام کار کند، یعنی باید شک کنید. اگر دود سفید غلیظ از اگزوز بیرون زد یا در مخزن رادیاتور کف و حباب دیدید، به احتمال قوی کار از کار گذشته. وقتی هم که آب و روغن قاطی می‌شوند، دیگر عملاً موتور دارد به شما هشدار آخر را می‌دهد. اگر خودرو در مسیرهای ساده کم می‌آورد و صدای موتور تغییر کرده، حتماً باید به واشر سر سیلندر مشکوک شوید.

تعel نکنید، هنرینمایش سنگین است

خیلی‌ها فکر می‌کنند می‌توانند کمی با همان واشر سوخته سر کنند و آخر هفته وقت کم‌تر برون تعمیرگاه. این دقیقاً همان اشتباهی است که می‌تواند به قیمت تعویض کامل موتور تمام شود. وقتی موتور بیش از حد داغ می‌شود، سر سیلندر تاب برمی‌دارد، سوپاها آسیب می‌بینند، پیستون‌ها می‌سوزند و موتور ممکن است یاتاقان بزند. آن وقت به‌جای یک تعمیر یک تا دو میلیونی، باید به عده‌های دو رقمی‌با واحد میلیون تها سلام کنید.

تعمیر درست، خیال راحت

اگر کار به تعویض واشر رسید، باید با دقت و وسواس انجام شود. اولین شرط، استفاده از واشر با کیفیت و ترجیحاً اصل است. مکانیک حتماً باید سر سیلندر را از نظر تاب برداشتن بررسی کند و در صورت نیاز، آن را تراش بدهد. نکته دیگر، بستن پیچ‌های سر سیلندر با ترتیب و گشتاور دقیق است؛ چیزی که فقط با آچار ترکمتر ممکن است. خیلی از واشرها به خاطر همین اشتباه ساده دوباره می‌سوزند. در کنار آن، باید سیستم خنک‌کننده هم بررسی شود. پمپ آب، ترموستات و حتی خود رادیاتور باید سالم باشند. چون اگر ریشه مشکل در سیستم خنک‌کننده باشد، واشر جدید هم دوام نمی‌آورد.

مراقبت بعد از تعمیر، شرط ماندگاری

بعد از تعویض واشر، خیال‌تان راحت نباشد که همه چیز تمام شده است. چند روز اول، باید با احتیاط برانید و از فشار آوردن به موتور پرهیز کنید. مرتب دمای موتور را چک کنید و سطح آب و روغن را تحت نظر بگیرید. این مراقبت اولیه، کلید دوام تعمیر انجام‌شده است.

داستان واشر سر سیلندر پژو ۴۰۵ یک هشدار ساده دارد: مراقبت کنید، جدی بگیرید و به‌موقع رسیدگی کنید. چون این قطعه، اگر چه کوچک است اما می‌تواند سرنوشت کل موتور را عوض کند.

خودرو

قوانین گمرکی اروپا علیه محصولات چشم‌بادامی ها

چراغ قرمز اروپا به خودروهای چینی

● بازار ایران باتوق خودروهای چینی شده است اما اروپا این بار قاطع ایستاده؛ قوانین سختگیرانه، فشارهای سیاسی و خواست مردم برای کیفیت بالا، باعث شده تا خودروهای چینی در قلب قاره سبز راه سختی پیش رو داشته باشند

بی‌نام و نشان قدیمی نیستند. حالا با خودروهای برقی، باتری‌های قدرتمند و طراحی‌های مدرن، به میدان آمده‌اند MG که زمانی یک برند انگلیسی بود و حالا چینی‌ها مالک آن شده‌اند، توانسته در نیمه اول سال ۲۰۲۴ بیش از ۲۳۰ هزار دستگاه در اروپا بفروشد. عددی که برای صنعت خودروسازی اروپا مثل زنگ خطر عمل کرد.

چینی‌ها قصد دارند وارد بازار شوند و سهم بزرگی از آن را به خود اختصاص دهند. این خبر برای خودروسازان قدیمی، تهدیدی جدی به شمار می‌رود.

● نشست مهم در بروکسل

در یکی از ساختمان‌های بلند بروکسل، مدیران اتحادیه اروپا نشسته‌اند و درباره تأثیر یارانه‌های دولتی چین بر صنعت خودرو بحث می‌کنند. باورشان این است که خودروهای چینی با کمک‌های مالی دولتی، ارزان‌تر از قیمت واقعی وارد بازار اروپا می‌شوند. این نوع رقابت را عادلانه نمی‌دانند و در نتیجه به دنبال وضع تعرفه‌های سنگین‌تر هستند.

صحبت‌ها به جایی رسید که پیشنهاد شد مالیات واردات خودروهای چینی تا ۳۰ درصد افزایش یابد. این اتفاق باعث شد کم‌ترای خودروسازی چینی بالا بروند و جدالیت‌شان برای خریداران کمتر شد. اروپا در حال کشیدن ترمز ورود بی‌رویه این خودروها است.

● مشتری اروپایی، خیلی چیزها را می‌سنجد

حالا بیا بید سری به شهر لیون و خانه ژاک پرانت بزنیم. مردی ۴۵ ساله که دنبال یک خودرو برقی می‌گردد. از مدل‌های مختلف تسلا، رنو و پژو بازدید کرده و ماشین جدید خود را با دقت تمام انتخاب می‌کند. وقتی فروشنده تلاش می‌کند یک خودرو چینی به او معرفی کند، ژاک واکنش خاصی نشان می‌دهد. او درباره امنیت داده‌ها، کیفیت نرم‌افزارها، خدمات پس از فروش و اعتبار برند تولیدات چشم‌بادامی‌ها، مردد است.

او یک مشتری اروپایی معمولی است. کسی که هنگام خرید به قیمت صرف اکثفا نمی‌تواند و به ارزش‌های دیگر هم اهمیت می‌دهد؛ به چیزهایی مثل کیفیت ساخت، اطمینان از خدمات پس از فروش و پشتیبانه برند. ژاک مثل بسیاری از خریدار ایرانی نیست که بیشتر به قیمت و اقساط فکر کند. این نوع نگاه در اروپا باعث شده خودروهای چینی به راحتی جای خود را پیدا نکنند.

● قانون‌های سبز پاریس

در پاریس دولت فرانسه قانونی تصویب کرده که مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌ها را فقط به خودروهایی می‌دهد که یا در اروپا ساخته شده باشند یا از نظر

زیست محیطی شرایط سختگیرانه‌ای را رعایت کنند. بسیاری از خودروهای چینی از این شرط‌ها عبور نکرده‌اند. آنها یا در چین تولید شده‌اند یا گزارش‌های شفافی درباره اثرات زیست‌محیطی ندارند. این قانون از یک طرف برای حفظ بازار داخلی است و از طرف دیگر برای تضمین کیفیت و استانداردهای محیط زیستی. به این ترتیب بسیاری از خودروهای چینی عملاً از گردونه رقابت خارج شده‌اند.

● نگاه محافظه کارانه آلمان

در برلین اما شرایط متفاوت است. خودروسازان آلمانی مانند فولکس‌واگن و ب.ام.و روابط تجاری عمیقی با چین دارند. ورود خودروهای چینی به آلمان با نظارت کمتری انجام می‌شود، اما حتی آلمان هم نمی‌تواند به راحتی در برابر رشد چینی‌ها سکوت کند. بازار این کشور زیر ذره‌بین است و نگرانی‌ها درباره رقابت، جدی.

آلمان تلاش می‌کند تعادلی برقرار کند؛ نه می‌خواهد از بازار عقب بماند و نه اینکه فضای رقابت را بیش از حد به خودروهای چینی باز کند.

● سیاهی پشت پرده

از سسوی دیگر چینی‌ها معتقدند اروپا به دلایل سیاسی و محافظه‌کاری صنعتی، جلوی ورودشان را گرفته

است. اتحادیه اروپا می‌گوید هدف حفظ رقابت منصفانه است و نباید اجازه دهد بازی به نفع کشوری که یارانه‌های فراوان می‌دهد، تغییر کند. در این میانه خریداران اروپایی، با نگرانی‌هایشان و دقت در انتخاب‌ها، نشان می‌دهند که تصمیم‌شان فقط براساس قیمت نیست.

این بازار پیچیده، جایی است که سیاست، اقتصاد و خواسته‌های مردم به هم گره خورده‌اند. چینی‌ها هنوز باید برای اینکه در این بازی پیروز شوند، زمان و سرمایه بیشتری صرف کنند.

● و در ایران...

همین حالا، مدیران شرکت‌های کرمانی، در حال تبلیغ کراس‌اوور چینی هستند. خودرویی که وعده داده می‌شود لوکس باشد اما در نهایت تمرکز فقط روی ظاهر و قیمت است. بحث درباره کیفیت، خدمات پس از فروش یا ایمنی به حاشیه رفته است.

این تفاوت نگاه، همه چیز را روشن می‌کند. اروپا در حال دفاع از بازار خود است و مصرف‌کننده‌اش به سختی اعتماد می‌کند. ایران اما در نقطه مقابل، بازارش به روی چینی‌ها باز و آزاد است و مصرف‌کننده با معیارهای متفاوتی انتخاب می‌کند. این همان چراغ قرمز است که اروپا روشن کرده و ایران همچنان آن را سبز نگاه داشته است.

گزارش

روایت ماشین‌های عجیب در خیابان‌های آمریکا و اروپا

وقتی خودروها عوض می‌شوند

حالا دیده‌اید، نیست. شیشه‌هایش ضدگلوله‌اند و هر باری که فکرتش را بکنید، حمل می‌کند. وقتی مردم در مورد ماشین‌های آینده حرف می‌زنند، این سایبر تراک وسط صحبت‌هاست. برخی‌ها می‌گویند زشت است، اما همین ظاهر عجیب باعث شده به سوزه اصلی شبکه‌های اجتماعی تبدیل شود. هم‌زمان با سایبر تراک، یک ماشین دیگر در گوشه‌ای آرام و کم‌سروصدા منتظر است تا شما را شگفت‌زده کند؛ Aptera یک خودروی سه‌چرخ که به جای موتور بر سر بدنه برق و قاب‌دار، همیشه نماد آزادی و تفریح بوده و حالا در قالبی سبترز و پاک‌تر برگشته است.

را تأمین می‌کند. ظاهرش خیلی مدرن و آیرودینامیک است، انگار یک قطره آب روی زمین حرکت می‌کند. آپترا قرار است زندگی در شهرهای شلوغ را با مصرف کم انرژی راحت‌تر کند.

از آن طرف، داستان‌های ماشین‌های نوستالژیک هم در آمریکا زنده شده است. Moke America نسخه الکتریکی یک خودرو تفریحی قدیمی است که روزهایش را کنار ساحل می‌گذراند و از پنجره‌های باز و باد خنک لذت می‌برد. موک بیشتر شبیه یک بازی کود کانه است؛ کوچک، راحت و



می‌بینید چطور در خیابان‌های اروپا این

ندارد.



همه این‌ها روی محیط زیست هم تاثیر مثبت گذاشته است. کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی، پایین آمدن میزان آلاینده‌ها و افزایش استفاده از انرژی‌های پاک، کمک کرده‌اند تا هوای شهرها کمی تمیزتر شود و مردم به زندگی سالم‌تری دست پیدا کنند.

● اما این راه آسان نیست

با این همه خوبی، خودروهای عجیب با البته وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، همه نوآوری‌ها در ابتدا بسا چالش‌هایی همراه بودند. اما به نظر می‌رسد این خودروهای عجیب و غریب، بخش مهمی از آینده صنعت خودروسازی باشند. آنها نه فقط وسیله نقلیه خودروهایی معمولی فکر می‌کردند، حالا باید با استارت‌آپ‌هایی رقابت کنند که همه چیز را از صفر می‌سازند. این رقابت باعث شده خودروها سریع‌تر به فناوری‌های جدید مجهز شوند و قیمت‌ها تا حدی قابل قبول باقی بمانند.

● این خودروها چه پایداری دارند؟

خب، ممکن است پرسید که این ماشین‌های عجیب و غریب، چه تأثیری روی زندگی ما می‌گذارند؟ اول از همه، آنها صنعت خودروسازی را به چالش کشیده‌اند. شرکت‌های بزرگ که قبلاً فقط به تولید خودروهای معمولی فکر می‌کردند، حالا باید با استارت‌آپ‌هایی رقابت کنند که همه چیز را از صفر می‌سازند. این رقابت باعث شده خودروها سریع‌تر به فناوری‌های جدید مجهز شوند و قیمت‌ها تا حدی قابل قبول باقی بمانند.

شهرها هم مجبور شده‌اند خودشان را با این تغییر وفق بدهند. ایستگاه‌های شارژ بیشتر شده‌اند، مسیرهای مخصوص دوچرخه و ماشین‌های کوچک‌تر ساخته شده‌اند و قوانین جدیدی برای پارکینگ و عبور و مرور تنظیم شده است. فکر کنید وقتی یک خودروی کوچک مثل Nobe GT۱۰۰ می‌تواند روی دیوار پارک کند، دیگر هیچ بهانه‌ای برای نداشتن جای پارک وجود ندارد.

● روایت داستان‌های جدید

اگر کمی دقیق‌تر به خیابان‌های شهرهای بزرگ آمریکا و اروپا نگاه کنید، ممکن است نجات محیط زیست و نماد نوآوری باشند. شاید روزی برسد که همه خودروها اینگونه باشند؛ عجیب، دوستدار محیط زیست و پر از تکنولوژی‌هایی که امروز فقط در فیلم‌ها دیده می‌شوند.

بن‌بست بر سر خانه‌اند یشمندان علوم انسانی

در حالی که حکم تخلیه و تحویل ساختمان خانه اندیشمندان علوم انسانی صادر شده است، این موسسه نسبت به تهدید استقلال و هویت خود هشدار داد و خواستار حمایت مسئولان برای تداوم فعالیت در محل فعلی شد

در روزهای اخیر اخبار غیر رسمی و پراکنده درباره وضعیت خانه اندیشمندان علوم انسانی یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی و فرهنگی پایتخت موجب نگرانی و سردرگمی جامعه فرهنگ‌دوست و نخبگان حوزه علوم انسانی شده است. خانه اندیشمندان با انتشار بیانیه‌ای رسمی به تشریح آخرین تحولات حقوقی، وضعیت کنونی ساختمان محل استقرار خود و چشم‌انداز آینده این نهاد پرداخته و خواستار حمایت مقامات و مدیران شهری برای تداوم فعالیت‌های علمی و فرهنگی خود در مکان فعلی شد. در این بیانیه آمده است، پس از دو سال چالش حقوقی میان شهرداری تهران و خانه اندیشمندان بر سر مالکیت ساختمانات واقع در خیابان استاد نجات‌الهی – که طبق قرارداد میان دو طرف، بهر برداری از آن به خانه اندیشمندان واگذار شده بود، سرانجام اسفند ۱۴۰۲ شنبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران با صدور حکمی، حقانیت خانه اندیشمندان و الزام شهرداری به انجام تعهدات قراردادی را تأیید کرد. اما با ادامه پیگیری‌های اداره کل حقوقی شهرداری تهران و طرح دعوای جدید، ورق برگشت و در اسفند ۱۴۰۳ دو رأی قطعی از شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور و شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران علیه خانه اندیشمندان صادر شد. این ارا موسسه را ملزم به تخلیه ساختمان و تحویل آن به شهرداری تهران کرد، حکمی که اگر چه با رایزنی برخی نیکاندیشان اجرای آن برای مدتی به تعویق افتاد، اما روند حقوقی آن متوقف‌نشد.

بر اساس این بیانیه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ در پی درخواست چهل‌وچهار انجمن علمی و پیگیری خانه اندیشمندان، ریاست جمهوری با ارسال نامه‌ای به شهردار تهران خواستار حل مشکل و ادامه‌فعالیت نخبگان علمی در این محل شد. متن نامه رئیس‌جمهور به‌طور مشخص از شهردار تهران می‌خواهد با بهره‌گیری از ظرفیت این نهاد علمی، زمینه استمرار کار خانه اندیشمندان را فراهم کند. در واکنش به این درخواست، شهردار تهران قول داد که اجرای حکم قضایی را پیگیری نکند و به خانه اندیشمندان اجازه ادامه فعالیت داده شود. با این حال، دو هفته بعد و بر خلاف وعده‌های شفاهی ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ اجراییه رسمی تخلیه ساختمان به خانه اندیشمندان ابلاغ شد و شهرداری با پیگیری مجدد روند اجرای حکم را از مراجع قضایی مطالبه کرد.

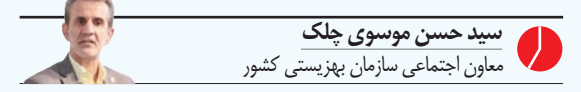
طبق متن بیانیه پس از انقضای مهلت ده روزه قانونی، مجدداً به خانه اندیشمندان سه روز مهلت داده شد تا ساختمان را تخلیه و تحویل شهرداری دهد. این مهلت روز ۱۵ خرداد به پایان رسید و مدیران شهرداری، خواستار اجرای حکم تخلیه با حضور عوامل انتظامی شدند. همزمانبرخی مدیران شهرداری مناکراتی را با مسئولان خانه اندیشمندان انجام داده و چهار پیشفهاد مشخص مطرح کرده‌اند. از جمله تخلیه کامل ساختمان و تحویل به شهرداری، واگذاری تنها دو اتاق به خانه اندیشمندان، اختصاص سایر بخش‌ها به گروه‌های منتخب شهرداری و تعیین یک مدیر منتخب شهرداری برای نظارت بر کلیه امور و اولویت‌بندی تخصیص فضاها. خانه اندیشمندان علوم انسانی ضمن تأکید بر حسن نیت و آمادگی برای گفت‌وگو و حل اختلاف با شهرداری، اعلام کرده‌است که پذیرش پیشنهادات فوق به معنای نقض اصل بنیادین این نهاد، یعنی استقلال در تصمیم‌گیری و برنامهریزی و حفظ حرمت بزرگان علمی و فرهنگی کشور خواهد بود و عملاً به تغییر ماهیت و تضعیف هویت خانه اندیشمندان می‌انجامد. این موسسه تصریح کرده‌است که طی ۱۵ سال فعالیت، همواره در چارچوب نظام جمهوری اسلامی عمل کرده، از قوانین کشور تبعیت نموده و هرگز سابقه تخلف یا عدول از تعهدات قراردادی با شهرداری نداشته است. خانه اندیشمندان تأکید کرده‌است که با رویکرد هم‌افزایانه خود، ظرفیت را برای بیش از ۲۵۰ نهاد علمی، فرهنگی و مدنی کشور فراهم آورده و همواره منادی گفت‌وگوی علمی و تکرر آرا بوده‌است. این نهاد پیشنهاد شهرداری تهران را به‌منزله محدود کردن فضای فیزیکی و کاهش نقش مؤثر این موسسه در عرصه علمی و فرهنگی کشور دانسته و به مدیران شهری توصیه کرده به جای تضعیف این نهاد، از ظرفیت سایر اماکن فرهنگی شهر نظیر فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ و سرای محلات برای گسترش فضاهای جدیداندیشه‌ورزی و گفت‌وگو استفاده کنند. خانه اندیشمندان با اشاره به سوابق در خشان خود، از شهردار و اعضای شورای اندیشمندان خواسته است که با تدبیر و تعهد مناسب، امکان تداوم فعالیت خانه اندیشمندان علوم انسانی را در محل فعلی فراهم آورند و خواسته جمع‌کنثیری از نخبگان، انجمن‌ها و شخصیت‌های دلسوز کشور را اجابت کنند. این نهاد هشدار داده است که اجرای حکم تخلیه،افزون بر آسیب به مجموعه علوم انسانی کشور، شهروندان و عموم مردم را از خدمات علمی و فرهنگی این موسسه محروم کرده و می‌تواند به سرخوردگی و ناامیدی در جامعه علمی و دانشگاهی کشور انجام بزند. خانه اندیشمندان تأکید کرده‌است که مواضع رسمی این مجموعه صرفاً از طریق رسانه‌های رسمی آن اعلام می‌شود و اطلاع‌رسانی‌های غیر رسمی، ملاًک موضع‌گیری نخواهد بود.

یادداشت

خانواده‌ها در نوک پیکان

چالش‌های اجتماعی

میانگین زمان صحبت در خانواده‌ها به ۱۵ دقیقه رسیده است



سید حسن موسوی جلک

معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور

خانواده امروز دیگر آن کارکرد گذشته را ندارد. تغییرات اجتماعی و فرهنگی نشان‌دهنده این است که ما نیازمند یک بازنگری در سیاست‌های کل خانواده هستیم. این بازنگری باید به اقتضای زمان و نیازهای جدید جامعه انجام شود تا بتوانیم به بهبود وضعیت خانواده‌ها و ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها کمک کنیم. توجه به نیازهای خانواده‌ها و ایجاد سیاست‌های حمایتی می‌تواند به تقویت بنیان خانواده و بهبود روابط اجتماعی کمک کند.

در حال حاضر ۲۶ درصد معاملات ما با خانواده به صورت آنلاین انجام می‌شود و این نشان‌دهنده تغییرات جدی در ساختار خانواده است. به نظر می‌رسد که باید به عنوان سیاست‌گذاران و متولیان حوزه خانواده، نگاهمان به این آمار و ارقام تغییر کند. نظام خانواده امروز با چالش‌های جدی مواجه است و نوک پیکان اجتماعی به سمت خانواده‌هاست.

در دوم تیرماه با محوریت خانواده اجتماعی فرصتی است تا به بررسی وضعیت خانواده‌ها بپردازیم و ببینیم که سیاست‌گذاری‌های ما چگونه می‌تواند کیفیت زندگی خانواده‌ها را بهبود بخشد. نیاز به بازنگری در سیاست‌ها و برنامهریزی‌ها داریم تا بتوانیم به بهبود وضعیت خانواده‌ها کمک کنیم و چالش‌های موجود را مدیریت کنیم. نهادهای اجتماعی هر کدام کار کرده‌ای خاص خود را دارند و باید به اقتضای زمان تغییر کنند. اما به نظر می‌رسد که برنامه‌ها یا با آمارهای جهانی و داخلی تناسبی ندارند. پژوهشی که بیش از ۱۰ سال پیش در مورد فرهنگ گفت‌وگو در خانواده ایرانی انجام شد، نشان می‌دهد که میانگین زمان صحبت در خانواده‌ها تنها ۱۵ دقیقه است. این آمار نشان‌دهنده این است که فضای آنلاین به جای ارتباط عاطفی و محبت در خانواده‌ها نقش بیشتری پیدا کرده‌است. این تغییرات باعث شده که ما ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز را که قبلاً در خانواده‌ها تجربه می‌کردیم، کمتر احساس کنیم و این موضوع تأثیرات منفی بر جامعه گذاشته است. بنابراین، نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌های کلان کشور در حوزه خانواده هستیم. سیاست‌های کلی خانواده که نوشته شده، باید مورد بازنگری قرار گیرد تا با نگاهی به آینده، مسیر کشور را به درستی ترسیم کند. این بازنگری می‌تواند به بهبود وضعیت خانواده‌ها و تقویت بنیان‌های اجتماعی کمک کند.

جامعه

پانزدهم | شماره ۴۰۶۹ | یکشنبه | ۱۸ خرداد ۱۴۰۴



هوت‌ک‌ها؛ آخرین چاره در آتش خشکسالی

خط انتقال آب، مانند رگ‌های قطع شده، ناتوان از رساندن زندگی به این دیار است. ۷ کیلومتر از مسیر پروژه، تاتمام مانده و ۹ پارچه آبادی خط انتقال‌شان روی کاغذ خاک می‌خورد: «در حالی که کشاورزان پایین‌دست، از آب سد به‌رمند می‌شوند، مردم هوکلات همچنان در حسرت یک جرعه آب می‌سوزند». رئیس شورای اسلامی بخش باهوکلات رنجیده: «گویی ارزش جان انسان‌ها، پایین‌تر از موزهای کشاورزی است. جان آدمیزاد مهم نیست، فقط موزها آب بخورند!»

هوت‌ک‌ها قبل از آمدن خطوط لوله تنها امید اهالی بودند. پسی لوله‌های آب به آبادی‌ها که باز شد ا اهالی با هوت‌ک‌ها غریبه شدند؛ هوت‌ک‌هایی که به رسم نسل‌های گذشته از سر ریز رودخانه‌ها به وقت سیلاب پر از آب می‌شدند. «شه‌بخش» از روزهایی می‌گوید که آب لجن گرفته هوت‌ک‌ها هم زیر دمای ۵درجه تاب نیاورده و تبخیر شده‌اند. هوت‌ک‌ها، مانند نفس‌های آخر یک بیمار، در حال تمام شدند. زمین ترک‌خورده، گواهی می‌دهد که اینجا، آب نیست، فقط گر دبداده‌ای گرم و ناله‌های خاموش مردم است که در هوا می‌پیچد.

بی‌آبی بحران تلخ ۳۵۰ روستای

پایین‌دست سد زیردان
روستاهای حاشیه سد زیردان که روزگاری چشم به راه قطرات آب در هوت‌ک‌های کم‌جان بودند، امروز با دستاورد بزرگی روبه‌رو شده‌اند؛ جریان پایدار آب شرب. نعمتی که در چنگال سوءاستفاده عده‌ای معدود گرفتار شده. این را علی‌اکبر آقایی، مدیر امور آب و فاضلاب شهرستان چابهار در فروردین گفته بود. در آن برهه با گرم شدن هوا، هزاران خانوار در ۳۵۰ روستای پایین‌دست سد زیردان با بحرانی تلخ به دلیل دستکاری عمدی شبکه‌های انتقال آب توسط برخی سودجویان، تخریب شیرآلات و انحراف آب به سمت زمین‌های کشاورزی و قطع مکرر آب شرب در اوج نیاز روستاییان مواجه بودند. اقداماتی که زندگی را برای ساکنان به چالشی سخت تبدیل کرد. به گفته آقایی برخی کشاورزان با هادایت آب به زمین‌های هندوانه و موز، جریان آب شرب را قطع می‌کنند. به اعتقاد او این مسئله یعنی تخریب چندباره تأسیسات و این در حالی است که همین موضوع بازگرداندن پایداری آب را تا دو هفته به تأخیر می‌اندازد: «۴هزار و ۷۳۰ کیلومتر خط انتقال، حیات ۱۱۰هزار نفر را به این سر گده زده.»

برکت، مردی که صدایش از فرط ناامیدی می‌لرزد، گلایه دارد: «روستائیان دست‌گدایی دراز نکرده‌اند. آب یک امتیاز نیست حق هر انسانی است.» زنان برای یک سطل آب شور، ۱۰ کیلومتر پیاده‌روی می‌کنند. حیوانات بی‌جان در کنار جاده‌ها، آخرین نگاه‌شان به آسمان بی‌ابر است

۸میلیون هم می‌رسد.» او به واسطه آشنایی‌اش با اهالی رسانه از برخی روزنامه‌ها خواسته تا گواهی بدهند بر این تراژدی بی‌پایان.

سد پیشین؛ آرزوی بر باد رفته

در دل گرمای سوزان جنوب، جایی که آسمان بازمین در آغوش خشکسالی گره خورده، بخش هوکلات با ۲۴ آبادی و ۴۵هزار نفر جمعیت، نفس‌های آخرش را می‌کشد. اینجا، پایین‌دست سد پیشین، جایی که باید زندگی جاری باشد، حالا تنها ردپایی از تشنگی و ناامیدی به جا مانده. سدی که برای آبادانی ساخته شد، امروز به نمادی از بی‌توجهی تبدیل شده؛ چرا که خطوط انتقال آب، تنها به سوی کشاورزی عجزار هکتاری نشانه رفته و مردم روستاها، حتی برای یک لیوان آب آشامیدنی، دست به گریبان تانکرهای بی‌وقا هستند. شش‌بخش، رئیس شورای اسلامی بخش باهوکلات به «هفت‌صبح» می‌گوید: «۳۵روستا در تنشش آبی مرگبار دست و پا می‌زنند.» بنابر گفته‌های او تانکرهای پیمانکاری که روزی قرار بود نجاتبخش باشند، حالا با دو دستگاه نیمه‌جان (یکی از آنها خراب و بی‌استفاده) به جنگ بحران رفته‌اند. مردم هوکلات هر روز با سطل‌های خالی، چشم به جاده می‌دوزند؛ اما امروز هم آب می‌رسد؟ یا باز باید شب را با لب‌های ترک‌خورده و گلوهای خشک به صبح برسانند؟ به گفته «شه‌بخش» در برخی روستاها، حتی تانکرها هم نمی‌توانند برسند؛ جاده‌ها پر از دست‌اندازهای بی‌مهری است و زمین، سخت و بی‌رحم.



هوزور زده هوزور

سر می‌بریم که میزان خشونت و همسرآزاری بین زنان ۲۰برابر مردان است؛

متاسفم که این داده هوزور محرمانه می‌شود

«هفت‌صبح» از یک ماه بی‌آبی دشتیاری گزارش می‌دهد

ما زیر آسمان بی‌ابر، زنده‌ایم

● **دشتیاری یک ماه است با بحران بی‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند. مردم با جیره‌بندی، تشنگی و وعده‌های بی‌سرانجام مسئولان روبه‌رو هستند**

● **زنان برای یک سطل آب شور، ۱۰ کیلومتر راه می‌روند و حیوانات بی‌رمق در کنار جاده‌ها آخرین نگاه‌شان به آسمان بی‌ابر است**



نه دودش به آسمان می‌رود، نه خاکسترش بر زمین می‌نشیند، بلکه زبان‌هایش در رگ‌های خشکیده کودکان زبانه می‌زند. شده. یک ماه است که زندگی، زبان‌های آتش تشنگی را بر جان می‌کشد؛ آتشی که لب‌های ترک‌خورده‌شان، نقشه‌هایی از رودهای فراموش شده‌اند، خط‌خطی‌هایی که فریاد بی‌آبی را در سکوت می‌نوازند. مادران با کوزه‌های تهی در کوچه‌هایی قدم می‌زنند که روزگاری زم‌زم قنات‌ها، ترانه زندگی بود. امروز چشمانشان چاه‌های خشکیده‌ای است که اشک‌هایش را بیابان بلعیده. پیر مردان زیر سایه‌سار نخل‌های خمیده، خاطرات رودهای خروشان را ورق می‌زنند. قامت‌هایشان از سنگینی این خاطرات و خشکی امروز خم شده، گویی هر برگ پژمرده، برگ دفتر روزگار از دست رفته‌ای است. این سرزمین که روزی آب، نغمه‌سرای زمینش بود، امروز زم‌زم‌ماش در گلو شکسته. ۳۰ روز... این عدد بر پیشانی هر خانه چون زخمی عمیق حک شده؛ زخمی که با هر نسیم گرم بیابان فریاد می‌زند: «ما را فراموش نکنید... ما در میان خاک‌های تشنه، هنوز نفس می‌کشیم.» گویی زمین و آسمان در بی‌عدالتی خاموش همدست شده‌اند؛ یکی آسمانی بی‌ابر، دیگری خاک بی‌باران. در این میانه، فریادی بی‌آبی، آوایی است که از ترک‌های زمین سر برمی‌آورد و در بادهای سوزان گم می‌شود.

هر هفته، ترک‌های زمین عمیق‌تر می‌شوند؛ گویی زمین زیر پای روستاییان نعره‌های خاموش سر می‌دهد. خشکسالی نه یک بلای طبیعی که زخم بی‌توجهی است که بر پیکر دشتیاری نقش بسته. امیدها مانند برگ‌های پاییزی می‌ریزند: «هفته‌به‌هفته بدتر می‌شود... انگار آسمان هم از دادخواهی‌مان خسته شده.» برکت، مردی که صدایش از فرط ناامیدی می‌لرزد، گلایه دارد: «روستائیان دست‌گدایی دراز نکرده‌اند. آب یک امتیاز نیست حق هر انسانی است.» زنان برای یک سطل آب شور، ۱۰کیلومتر پیاده‌روی می‌کنند.حیوانات بی‌جان در کنار جاده‌ها، آخرین نگاه‌شان به آسمان بی‌ابر است.

وعده‌هایی که عملی نشد

در قلب چهار روستا با ۴۰۰خانوار، زمین‌های کشاورزی «شهوآر» با آن موزها و هندوانه‌های تشنه، زیر آفتاب سوزان، ترک‌های عمیق خورده‌اند. اینجا، ۲۲ ساعت بی‌آبی تنها یک عدد نیست، قصه زنانی است که با دبه‌های سنگین از «هوت‌ک» آب می‌آورند و کودکان خردسال که بار رنج بی‌آبی را بر دوش‌های نحیف‌شان حمل می‌کنند. بشیر یکی از اهالی همین روستاهاست: «از تشنگی می‌میریم... راهی



کریمدادی از مردمان شهر و دیارش می‌گوید؛ مردمان نجیب سیستان و بلوچستان با صبوری اسطوره‌ای: «حتی پای دروازه فرمانداری را هم نمی‌کوبند.» مردمانی که به گفته کریمدادی میزبان دو رئیس‌جمهور بودند. آنها که رئیس و روحانی را میزبانی کردند و تحسین شدند، امروز ۳میلیون برای تانکر آبی می‌پردازند که شومره است. اینجا مردمانی زندگی می‌کنند که درد را با سکوت می‌بلعند و محرومیت را با وقار حمل می‌کنند: «گاهی اوقات قیمت تانکرهای آب به

از آنها «زهرآ بهروز آذر» معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور بود. او در پاسخ به این سوال که آیا تضمینی وجود دارد تا دیگر شاهد وقوع قتل‌هایی مانند «الله حسین‌نژاد» نباشیم، گفت: برای دختران ما هیچ تضمینی وجود ندارد که دیگر این اتفاق نیفتد. تمام تلاش ما این است که چنین واقعه‌ای به وقوع نپیوندد، اما واقعیت این است که باید همت مردم و تمامی مسئولان با یکدیگر همراه باشد. این موضوع تنها مسئله‌ای نیست که دولت بتواند به تنهایی آن را حل کند و نیازمند همت جمعی است. تمام شاغلانی که به صورت مستقیم با جامعه سر و کار دارند از جمله رانندگان حمل‌ و نقل عمومی باید وارد

از واکنش‌های گسترده را در میان مردم، رسانه‌ها و شخصیت‌های اجتماعی به دنبال داشت. از لحظه انتشار خبر، شبکه‌های اجتماعی به بستری برای ابراز اندوه، خشم و مطالبه‌گری تبدیل شدند. بسیاری از کاربران با انتشار پیام‌های تسلیت و همدردی، به ناامنی اجتماعی و ضرورت رسیدگی به این پرونده اشاره کردند. در همین حال، برخی چهره‌های شناخته‌شده نیز با انتشار پیام‌هایی، خواستار شفاف‌سازی و برخورد قاطع با عاملان این حادثه شدند.

در کنار واکنش‌های مردمی، شخصیت‌های رسمی نیز به این موضوع ورود کردند. یکی

روستاهای ماروی نقشه وجود ندارند؟

در دل دشتیاری، فشار آب چنان ناچیز است که گویی زمین، رگ‌های زندگی را فراموش کرده. مردمان، برای جرعه‌ای آب نوشیدنی، بخت‌ویز و حتی وضوی نماز، در تلاشی بی‌پایان دست‌وپا می‌زنند. برکت، رو به آسمان بی‌ابر سوگند می‌خورد: «برای وضو، قطره‌ای از نداشتم... ناچار شدم ۳میلیون تومان برای تانکری بپردازم که آبی شور بود.» سدهای بالادست، لبریز از آب آبدانه، ولی دیواری نامرئی، رود زندگی را از روستاها بریده است. فریاد روستاییان در فضای خالی می‌پیچد: «حقابه ما را از در دیده‌اند.» فریادی که در برابر سکوت مسئولان در بادهای سوزان گم می‌شود. «مژن پالا» ۹۰ خانوار، تصویری زنده از این فاجعه است: «حق ما این نیست... روستاهایی هستند که از ما هم محروم‌ترند.» برکت از ناامیدی‌های تلخ می‌گوید؛ از شکایت‌های مکرر به مسئولان که تنها با قول‌های توخالی پاسخ داده شد: «گویی روستاهای ماروی نقشه وجود ندارند.» زمین‌ها هر روز ترک‌های عمیق‌تری می‌بلعند، امیدها هر صبح، خشک‌تر از دیروز می‌شکنند. دشتیاری امروز، تنها یک نام روی نقشه نیست، خاکش از فرط تشنگی ترک‌خورده، آسمانش با بغض‌های فروخورده ابری شده، مردمانش را چشمانی به افق دوخته‌اند که انتظار باران عدالت را می‌کشند. در این سرزمین که آب، طلاست؛ مردمانش با سطل‌های خالی، گنجینه‌های فراموش شده تاریخ‌اند.»

چهره روز

واکنش معاون رئیس‌جمهور به قتل «الله حسین‌نژاد»

هیچ تضمینی برای تکرار نشدن حادثه مشابه وجود ندارد

چرخه گرفتن گواهی سلامت روان شوند تا به جامعه کمتر آسیب وارد شود.

بهروز آذر به آمار نگران‌کننده‌ای هم اشاره کرد: هنوز در وضعیتی به سر می‌بریم که میزان خشونت و همسرآزاری بین زنان ۲۰برابر مردان است؛ متاسفم که این داده هنوز محرمانه نگهداری می‌شود. اینکه این داده محرمانه نگه داشته‌شده، باعث شده، وقتی لایحه خشونت علیه زنان را در مجلس پیش می‌بریم و راجع به آن صحبت می‌کنیم، به ما بگویند: «نه، خشونت کجاست؟ اصلاً کجا خشونت علیه زنان وجود دارد؟ کجا همسر آزاری وجود دارد؟ اگر هم هست، برابر است.» واقعیت این است که برابر نیست. داده‌های می‌گوید که

از واکنش‌های گسترده را در میان مردم، رسانه‌ها و شخصیت‌های اجتماعی به دنبال داشت. از لحظه انتشار خبر، شبکه‌های اجتماعی به بستری برای ابراز اندوه، خشم و مطالبه‌گری تبدیل شدند. بسیاری از کاربران با انتشار پیام‌های تسلیت و همدردی، به ناامنی اجتماعی و ضرورت رسیدگی به این پرونده اشاره کردند. در همین حال، برخی چهره‌های شناخته‌شده نیز با انتشار پیام‌هایی، خواستار شفاف‌سازی و برخورد قاطع با عاملان این حادثه شدند.

در کنار واکنش‌های مردمی، شخصیت‌های رسمی نیز به این موضوع ورود کردند. یکی

نگاه

زیرساخت فرسوده، انرژی ارزان؛ سهم ایران در تغییرات اقلیمی

سایه سنگین کربن بر سر ایران



در دل هر صبح خاکستری تهران، وقتی خورشید به سختی از میان غبار و دود خود را به زندگی شهری تحمیل می کند، نفس کشیدن برای میلیون ها ایرانی حکم یک مبارزه روزمره را پیدا کرده است. حالا دیگر ماجرای آلودگی هوا فقط تیتز خبرها نیست؛ لمسش می کنیم، می‌بلعیمش و هر روز اثرش را در چشمان و ریه‌هایمان می بینیم. اما پشت این هوای سنگین و ترافیک همیشگی، یک واقعیت کمتر دیده‌شده وجود دارد: سهم بی‌سابقه ایران در انتشار گازهای گلخانه‌ای و بحران کربن جهانی.



عددها گاهی بیش از هزاران کلمه حرف می‌زنند. بر اساس گزارش اخیر ویژوال کیمیتالیست، ایران در سال ۲۰۲۳ با انتشار حدود ۶۸۴ میلیون تن دی‌اکسید کربن در جایگاه هفتمین کشور آلاینده دنیا قرار گرفته است. این یعنی بیش از ۱.۹ درصد از کل انتشار جهانی فقط متعلق به سرزمینی است که تنها یک درصد از جمعیت دنیا را دارد. این نسبت، وقتی با کشوری مثل آلمان یا کانادا مقایسه می‌شود، شوک‌آورتر می‌شود؛ جایی که رشد جمعیت و تولید ناخالص ملی‌شان بسیار بالاتر از ایران است اما سهم‌شان از انتشار، پایین‌تر یا نزدیک به ایران قرار می‌گیرد.

❖ سرانه‌ای دو برابر جهان

اما‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که هر ایرانی به طور میانگین سالانه بیش از ۸.۶ تن دی‌اکسید کربن تولید می‌کند. این رقم تقریباً دو برابر میانگین جهانی است. این وضعیت فقط به آلودگی شهرها یا زمستان‌های خاکستری تهران محدود نمی‌شود؛ یک هشدار زیست‌محیطی و انسانی است که می‌تواند آینده اقتصادی و حتی سلامت اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

❖ چرا ایران چنین جایگاهی در جدول کربن جهان دارد؟

کلید پاسخ این سؤال را باید در ساختار انرژی ایران جست‌وجو کرد. اقتصاد کشور سال‌هاست که بر پایه نفت و گاز می‌چرخد؛ نه فقط در صادرات، بلکه حتی در تأمین برق و گرمایش خانه‌ها. بیش از ۹۳ درصد برق ایران از نیروگاه‌های فسیلی تأمین می‌شود؛ ۸۰ درصد از گاز طبیعی و بیش از ۱۳ درصد از نفت. در مقابل، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به سختی به سه درصد می‌رسد؛ سهمی که در مقایسه با میانگین جهانی بسیار ناچیز است. علاوه بر این، ایران یکی از بزرگ‌ترین کشورهای دنیا در زمینه سوزاندن گازهای همراه نفت است؛ فرایندی که نه تنها فرصت بهره‌وری از منابع انرژی را هدر می‌دهد، بلکه سالانه میلیون‌ها تن دی‌اکسید کربن را بی‌هدف روانه جو می‌کند.

❖ زیرساخت‌های فرسوده، مصرف بی‌رویه

اما بحران فقط در انتخاب منابع سوخت نیست. پخش قابل توجهی از برق تولیدشده، پیش از رسیدن به خانه‌ها و کارخانه‌ها در شبکه توزیع هدر می‌رود. برآورد می‌شود که حدود ۱۳ درصد برق تولیدی در مسیر انتقال و توزیع از دست می‌رود؛ رقمی که برای کشوری با منابع محدود سرمایه و زیرساخت، یک زیان سنگین است.

از سوی دیگر، یارانه سنگین انرژی در ایران مصرف را تشویق می‌کند. قیمت پایین بنزین، گاز و برق، انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی با استفاده از تکنولوژی‌های جدید و کم‌مصرف باقی نمی‌گذارد. نتیجه، مصرف بالاتر و تولید کربن بیشتر است. از همین روست که یک خانواده ایرانی، به مراتب بیش از میانگین جهانی انرژی مصرف می‌کند.

❖ آلودگی هوا؛ پیامد خاموش سیاست‌های انرژی

بحران کربن در ایران صرفاً یک بحران محیط‌زیستی نیست؛ یک تهدید جدی برای سلامت عمومی است. مطالعات وزارت بهداشت نشان می‌دهد که سالانه هزاران نفر به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند یا به بیماری‌های تنفسی و قلبی دچار می‌شوند. تهرانی‌ها این روزها با ماسک و دستگاه تصفیه هوا زندگی می‌کنند؛ اما آیا آینده روشنی در انتظار این شهر و سایر کلان‌شهرهای ایران خواهد بود؟

❖ سیاست و بحران؛ گره کور توسعه پایدار

در حالی که بسیاری از کشورهای جهان با تصویب و اجرای توافق‌نامه پاریس، متعهد به کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای شده‌اند، ایران هنوز این توافق‌نامه را به صورت رسمی اجرا نکرده است. مقامات، تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی را عامل اصلی عقب‌نشینی از تعهدات زیست‌محیطی می‌دانند. اما کارشناسان باور دارند که صرف‌نظر از فضای بین‌الملل، اصلاح سیاست‌های داخلی انرژی می‌تواند بخش بزرگی از بحران را مدیریت کند.

❖ آینده‌ای در گرو انتخاب امروز

کاهش انتشار کربن در ایران ممکن است ساده نباشد، اما غیرممکن هم نیست. اصلاح یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک، ارتقاء راندمان نیروگاه‌ها و توسعه فرهنگ صرفه‌جویی می‌تواند ایران را از این بحران عبور دهد. تصمیم امروز سیاست‌گذاران، سرنوشت نسل‌های آینده را رقم می‌زند؛ نسلی که شاید تنها خواسته‌اش نفس کشیدن زیر آسمانی آبی باشد.

❖ زمین بازی صبر ندارد

شاید ایران هنوز رسماً به تعهدات اقلیمی جهان نیپیوسته باشد، اما زمین برای امضاهای رسمی صبر نمی‌کند. بحران اقلیمی مرز نمی‌شناسد و دود تصمیمات امروز، فردا از گلوئی کودکان ما بالا خواهد رفت. اگرچه تحریم‌ها، اقتصاد را به زنجیر کشیده‌اند، اما ناتوانی در اصلاح ساختار انرژی، انتخابی است که می‌توان در برابرش ایستاد. آینده، محصول جسارت امروز ماست. جسارت در بازنگری سیاست‌های یارانه‌ای، جسارت در سرمایه‌گذاری برای انرژی‌های نو و جسارت در پذیرش این حقیقت تلخ که توسعه بدون توجه به محیط زیست، توسعه نیست و حتی تهدید است. ما هنوز فرصت داریم تا از سایه سنگین کربن عبور کنیم، اما این فرصت، جاودانه نخواهد ماند.

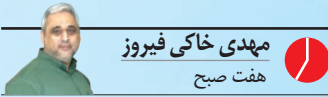
انرژی

روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۲۰۹۶ | یکشنبه | ۱۸ خرداد | ۱۴۰۴

درباره لوزان، شهر آرام سوئیس که مقر تصمیم‌گیری‌های بزرگ نفتی جهان و مرکز معاملات پنهان و تاثیر گذار بر اقتصاد جهانی است

لوزان؛ پایتخت پنهان نفت

- تصمیم‌های کلیدی بازار انرژی، اغلب در رستوران‌ها و هتل‌های مجلل شهر لوزان گرفته می‌شود
- جلسات مهم مدیران نفتی، گاهی در پیاده‌روی‌های شبانه کنار دریاچه ژنو برگزار می‌شود



بناگاه‌ها استراتژیک است: محلی که در آن ثروت، سکوت و سیاست با هم آمیخته می‌شوند.

❖ ویتال و دوستان: ناپیدا اما همه‌جا حاضر

دفتر مرکزی شرکت نفتی «Vitol» که بزرگ‌ترین معامله‌گر مستقل نفت جهان است، درست در لوزان واقع شده؛ شرکتی با درآمد سالانه بیشتر از تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها. این دفتر سنگی ساده، مثل خانه‌ای در یک قصه خیابانی معمولی‌ست، بی‌هیچ علامت یا آگهی. اما در دل آن، معاملات چندمیلیارد دلاری انجام می‌شود که آینده نفت، گاز، بنزین و حتی خورشید را تغییر می‌دهد. در یک دهه گذشته، بازار نفت با تغییرات عظیمی مواجه بود: از سقوط قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ تا اوج گیری دوباره در بحران اوکراین، از ظهور جدی‌تر نفت شیل آمریکا تا فاش‌های جهانی برای کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی. هر کدام از این رخدادها رد پای پنهانی در نشست‌های داخلی همین ساختمان در لوزان دارند.

❖ شام‌هایی که نقشه بازار را می‌کشند در لوزان، جلسات مهم اغلب در رستوران‌ها برگزار می‌شود، نه در اتاق‌های رسمی. برای مثال، رستوران معروف La Table du Lausanne Palace چشم‌اندازی بی‌نظیر دریاچه و غذاهایی چون استیک واگپو با سس ترافل و ماهی کاد سرخ‌شده با سس کاپری، میزبان

دیدارهایی است که شاید نتیجه‌اش تغییر یک قرارداد نفتی در خاورمیانه یا آفریقا باشد. در این شهر، «نوشیدنی‌های ممنوعه»‌ای که به سبک شرقی‌ها جایگزین شده‌اند، مانند شربت‌های انگور قرمز تخمیر نشده یا دمنوش‌های مخصوص کوهستان آلپ، به سبک نشست‌های شامگاهی‌اند. بر سر همین میزهاست که تصمیم گرفته می‌شود بشکه‌های نفت به کدام بندر بروند، قیمت پایه در معاملات آسسیایی چقدر باشد یا چگونه با رقبای سعودی یا آمریکایی رقابت کنند.

❖ پیاده‌روی‌هایی در امتداد تصمیم اما جلسه‌ها همیشه پشت میز برگزار نمی‌شوند. بسیاری از لحظه‌های کلیدی در پیاده‌روی‌های دو نفره در امتداد دریاچه ژنو شکل می‌گیرند. در مسیر Quai d’Ouchy، کنار صدای اردک‌ها و سکوت کوه، دو مرد در کت‌های پشمی بلند با کفش‌های دست‌دوز، درباره سهمیه‌های صادرات نفت ایران یا بازار جدیدی در هند حرف می‌زنند. در لوزان، تصمیم‌ها گاهی روی نیمکت‌های چوبی گرفته می‌شود؛ نیمکت‌هایی که در طول روز میزبان عاشقان طبیعت‌اند و شب‌ها شاهد بحث‌های میلیاردی.

❖ فرود، هتل، معامله ورود به لوزان آسان و بی‌صداست. فرودگاه ژنو که تنها ۴۵ دقیقه با قطار تا

مرکز لوزان فاصله دارد، میزبان پروازهای خصوصی و جت‌های شخصی بسیاری از رؤسای شرکت‌های نفتی دنیاست. اغلب آنها در هتل افسانه‌ای Beau-Rivage Palace اقامت دارند؛ جایی که اتاق‌هایش با پنجره‌های بزرگ به دریاچه مشرف‌اند و راه‌پله‌هایش طنین آرام سالی‌بزرگ را تداعی می‌کند که پیش از این میزبان المپیک‌ها بوده‌است.

در طبقه پنجم این هتل، اتاقی هست که برخی آن را «اتاق تصمیم» می‌نامند. جایی که طبق شایعات، در آن قراردادهای ده‌ها میلیارد دلاری امضا شده‌اند؛ از مشارکت در میدان نفتی خلیج فارس گرفته تا خرید نفت آفریقایی.

در میان این دفترها، یک ساختمان ساده اما نمادین دیگر نیز دیده می‌شود. دفتر شرکت نیکو اینترنشنال، بازوی فرامرزی شرکت ملی نفت ایران. در یکی از کوچه‌های آرام‌نزدیک دریاچه، ساختمانی ژئوشکل می‌گیرند. در مسیر Quai d’Ouchy، کنار صدای اردک‌ها و سکوت کوه، دو مرد در کت‌های پشمی بلند با کفش‌های دست‌دوز، درباره سهمیه‌های صادرات نفت ایران یا بازار جدیدی در هند حرف می‌زنند. در لوزان، تصمیم‌ها گاهی روی نیمکت‌های چوبی گرفته می‌شود؛ نیمکت‌هایی که در طول روز میزبان عاشقان طبیعت‌اند و شب‌ها شاهد بحث‌های میلیاردی.

❖ شهری با غذای لوکس، اما هوای انسانی یکی از دلایلی که لوزان را به مقصد



شناسه آگهی: ۱۹۴۴۵۹۵	نوبت اول
آگهی مناقصه عمومی – دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی شماره ۱۰-۱۴۰۴/۱-۱۰ بشماره ثبت سامانه تدارکات الکترونیك دولت «ستاد»: ۰۵۰۶۴۰۰۱۲۲۴۰۰۰۰۱۰ شرکت برق منطقه‌ای مازندران در نظر دارد افزایش ظرفیت ایستگاه آمل ۴ از ۴۰*۲ به ۶۰*۲ مگاوات آمپر را برابر شرایط ذیل و بشرح مشخصات و اطلاعات مندرج در اسناد مناقصه به مناقصه گر واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد و همچنین گشایش پاکت، مطابق فرآیند تعریف شده در بستر سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.	
الزامات مورد نیاز	۱- ارائه گواهینامه تاییدصلاحیت پیمانکاری در رتبه ۵ نیرو از سازمان برنامه و بودجه
مبلغ ضمانتنامه (شرکت در فرآیند ارجاع کار)	۱۵/۵۱۵/۱۱۶/۶۱۴ ریال بحروف «پانزده میلیارد و پانصد و پانزده میلیون و یکصد و شانزده هزار و ششصد و چهارده ریال»
نوع ضمانتنامه (شرکت در فرآیند ارجاع کار)	تضمین‌های معتبر (شامل فیش واریزی (وجه نقد)، ضمانتنامه بانکی، ...) مطابق آیین نامه تضمین دولتی مصوبه هیأت وزیران بشماره ۱۳۴۰۲/۱۳۴۹ت/۵۰۶۵۹-هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن (مندرج در اسناد مناقصه)
محل دریافت و ارسال اسناد:	سامانه "تدارکات الکترونیک دولت (ستاد)" به آدرس www.setadiran.ir
زمان دریافت اسناد:	از ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ الی ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
مهلت ارسال پیشنهاد	تا ساعت ۱۵:۳۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۸
زمان گشایش پاکت:	ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۰
قیمت پایه مناقصه:	۲۸۲/۳۲۲/۳۱۰ ریال بحروف «سیصد و ده میلیارد و سیصد و دو میلیون و سیصد و سی و دو هزار و دویست و هشتاد و دو ریال تمام» بر اساس فهرست بهاء سال ۱۴۰۴.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰
۱۳	روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای مازندران و گلستان

با نصب این نرم افزارموایلی، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه، مهم ترین اخبار را در اختیاران قرار دهیم. برای ثبت نظر، لایک و آبراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید. عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفتصبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنید.	اپ خبری هفت صبح دانلود از وب سایت هفت صبح www.7sobh.com
--	--



شرکت برق منطقه‌ای مازندران و گلستان



بخواند، چه حرفی برایش دارید که به او امید بدهد؟

هر چیزی که با تمام وجود بخواهیم در هر شرایطی قابل به‌دست آوردن است. کافی است ما بخواهیم و خودمان را باور کنیم. هیچ چیزی از ما انقدر دور نیست و به چیزی که بخواهیم می‌توانیم برسیم.

« قبل از المپیک به خاطر لباس‌های کاروان ایران، وارد برخی حواشی شدید. چطور تجربه‌ای بود؟

حاشیه‌ای که برای لباس المپیک پیش آمد، خیلی سخت بود اما خوشبختانه بعد از آن اتفاقات خوبی افتاد. یک اتفاق برنامه‌ریزی نشده بود و متأسفانه من را به اشتباه مورد قضاوت قرار دادند. ناراحت‌کننده‌ترین جای آن این بود که بعد از ۱۳ سال پارو زنی و مدال آوری کسی من را به خاطر آنها نمی‌شناخت و موضوع لباس‌های المپیک مهم‌تر شده بود.نه فقط درباره من بلکه خیلی از ورزشکاران هستند که کلی مدال‌های آسیایی و جهانی دارند و مردم آنها را نمی‌شناسند. این اتفاق ناراحت‌کننده‌ای است که یک ورزشکار را نه به خاطر مدال‌ها و افتخاراتش که برای یک اتفاق حاشیه‌ای بشناسند.

« از مهمترین هدفی که دارید بگویید. چقدر به آن نزدیک هستید؟

اصلی‌ترین هدفم بازی‌های آسیایی ناگویا و موفقیت در آن است. یک‌سال و نیم تا شروع بازی‌ها فاصله داریم. من سه دور در بازی‌های آسیایی حضور داشتم و خوشحالم که برای چهارمین بار در این بازی‌ها شرکت می‌کنم. هدفم طلای بازی‌های آسیایی است و برای همین اینجا هستم. امیدوارم شرایط مهیا شده و این اتفاق را رقم بزنم.

مانند شانس هم دخیل می‌شود و نقش کمک‌کننده پیدا می‌کند. شانس به‌تنهایی نمی‌تواند موثر باشد و قبل از هر چیز تلاش و علاقه خود آدم است. شاید شانس اسمی باشد که ما روی تلاش‌های خودمان می‌گذاریم.

« در سال ۱۴۰۴ ورزش زنان در ایران چه وضعیتی دارد؟ کمبودها چقدر رفع شدند؟
 سال ۱۴۰۴ برای خاتمه‌های ورزشکار سال خوبی بود. زنان ما روز به روز موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کنند و هرروز بیشتر نشان می‌دهند که چقدر خوب و قوی هستند. این اتفاقی است که نه فقط در قایقرانی که در همه رشته‌ها رخ می‌دهد. البته هنوز محدودیت‌هایی هست به‌خصوص در بخش سخت‌افزاری در رشته خود ما که این کمبودها راستش همیشه بوده و همیشه خواهد بود. امیدوارم قبل از بازی‌های آسیایی ناگویا خیلی از این کمبودها برطرف شوند. معتقدم از زمان حضور وزیر جدید ورزش و جوانان وضعیت دارد روز به روز بهتر می‌شود.

« آیا هنوز هم حضور زنان در ورزش حرفه‌ای برای بعضی‌ها! اتفاقی عجیب است؟

امروز دیگر واقعا حضور زن‌ها در عرصه ورزش چیز عجیبی نیست. حتی شاهدیم که ورزش‌های عمومی در خیابان‌ها هم کاملا جا افتاده است. من هر جا که تمرین کردم با این موضوع روبه‌رو شدم و معتقدم دیگر چیز عجیبی در این ارتباط وجود ندارد. خوشبختانه حضور زن‌ها در رشته‌های مختلف ورزشی پررنگ‌تر شده و حتی می‌توانم بگویم این روزها محبوب‌تر و مورد توجه‌تر هم شده است.

« اگر یک دختر ۱۳ ساله این مصاحبه را

می‌کردید یک روز به اینجا برسید؟
 اصلا فکرش را نمی‌کردم روزی به اینجا برسم. من سه دوره در بازی‌های آسیایی حضور داشتم و این چهارمین بار است. این‌بار با دختر کوچولوی خودم در چنین شرایطی قرار گرفتیم و این خیلی برای خودم جالب و متفاوت است.

« خانواده‌تان چقدر با ورزش کردن تان کنار آمدند؟

ابتدا پدرم خیلی مخالف ورزش کردن من بود اما بعد از یک‌سال که اولین مدالم را گرفتم، صدشان را برابرم گذاشتند و همه‌جوره پشتیبان بودند. هرچو که می‌توانستند حمایتم کردند. چه آن زمانی که مجرد بودم بسیار کمکم کردند و چه بعد از آمدن میلاد جور دیگری کنارم بودند تا بتوانم تمرین کنم و دغدغه کمتری داشته باشم.

« امروز اگر یک دختر نوجوان بخواهد مثلاً از شهری کوچک مسیر شما را برود و به تیم ملی برسد، چکار باید بکند؟

همه استان‌ها الان هیئت‌های فعال در رشته قایقرانی دارند و علاقه‌مندان می‌توانند به راحتی اطلاعات لازم را به‌دست بیاورند. هیئت‌ها به فدراسیون متصل هستند و هر کسی که استعداد و علاقه دارد می‌تواند از استان خودش شروع کند و وارد تیم شود. به نظر من اگر کسی عاشق باشد و بخواهد، کار انقدر سختی نیست و شدنی است.

« چقدر از موفقیت‌هایی که به‌دست آوردید حاصل اراده و تلاش شخصی است و چقدر مسائلی مثل حمایت‌ها و حتی شانس...؟

همه چیز به تلاش انسان بستگی دارد و شانس و مسائل دیگر وقتی دخیل می‌شوند که موفقیت به‌دست می‌آید. اگر تلاش نکتی و شانس هم داشته باشی، فایده‌ای ندارد. موفقیت زمانی به‌دست می‌آید که با تمام وجود و جانت می‌جنگی. در این زمان بعضی مسائل

بعد از جدا شدن فدراسیون مان، ششمین اردویی بود که پشت سر گذاشتیم؛ من به‌خاطر دخترم میل و شرایطی که داشتم، دیرتر به اردو اضافه شدم. ۱۳ خرداد برای شرکت در مسابقات بریکس عازم روسیه هستیم.

« شرایط اردو چطور پیش می‌رود؟
 شرایط خیلی خوب است و همه چیز خیلی خوب پیش می‌رود. من به خاطر شرایط میل کمی کارم سخت‌تر شد. چون ساکن تهران هستم و با حضور میل مجبورم برنامه‌ریزی متفاوتی داشته باشم. باید زمان‌بندی دقیقی بکنم تا شرایط بهتر هم بشود.

« امروز به عنوان یک ورزشکار با تجربه، بگویید اولین روزی که قایق را ندید فکرش را



امید ذاکری‌نیا
 دبیر سرویس ورزش

مهسا جاور حالا دیگر فقط یک قایقران پرافتخار نیست؛او در آستانه چهارمین حضورش در بازی‌های آسیایی، نقش مادری را هم ایفا می‌کند؛ برای دخترش مینسل. ورزشکاری که سال‌ها با پارو زدن‌های مداوم در سکوت آب، برای ایران مدال آوری کرده، حالا در کنار تمرینات فشرده، مسئولیت مادری را نیز پذیرفته و با انگیزه بالا همچنان در مسیر قهرمانی قدم برمی‌دارد. جاور که سابقه سه دوره حضور در بازی‌های آسیایی را در کارنامه دارد، توانسته در بالاترین سطح ورزش حرفه‌ای، تعادل میان زندگی شخصی و حرفه‌ای‌اش برقرار کند. او حالا با فرزند خردسال، همچنان با همان جدیت و انگیزه تمرین می‌کند، بی‌آنکه هدفش کوچک‌تر شده باشد؛ طلای بازی‌های آسیایی ناگویا چیزی است که او می‌خواهد و برایش سخت‌ترین می‌کند. او چه خواهد چه نه! نه‌تنها برای اثبات توانایی‌های خودش که برای الهام‌بخشی به نسل تازه‌ای از دختران ورزشکار می‌جنگد.با همه افتخارات آسیایی و جهانی، او همچنان تشنه موفقیت است؛ قهرمانی که باور دارد هیچ چیز، حتی سخت‌ترین شرایط، نمی‌تواند سد راهش شود.

« ابتدا از خودتان بگویید، این روزها چکار می‌کنید؟

می‌جنگم برای دخترم
پارو می‌زنم برای کشورم

روایت زندگي مهسا جاور قهرمان قایقرانی که نقش مادری و قهرمانی را با هم تجربه می‌کند

● جاور معتقد است هیچ محدودیتی نمی‌تواند جلوی پیشرفت دختران علاقه‌مند به ورزش را بگیرد اگر اراده داشته باشند

● مهسا تلاش می‌کند الهام‌بخش دختران نوجوان باشد و به آنها امید و انگیزه بدهد

گزارش ویژه

بررسی سبک بازی وسابقه فنی گزینه برزلی نزدیک به نیمکت استقلال

فابیو کاريله یک مربی تدافعی یا اهل تعادل

فابیو کاريله مربی ۵۱ ساله

اهل کشور برزیل در حال حاضر یکی از نزدیک‌ترین گزینه‌ها برای هدایت استقلال است. هرچند هواداران باشگاه استقلال بعد از انتشار خبری که این مرد برزلی را به‌عنوان نامزد هدایت آبی‌ها مطرح می‌کرد، در اعتراض به این موضوع به صفحه

کاريله در اینستاگرام هجوم برده و مقابل باشگاه دست به تجمع زدند.

● ویژگی‌های سبک بازی:

سبک بازی فابیو کاريله به خاطر تأکید بر حملات از جناحین شناخته می‌شود. او از وینگرها و مدافعان کناری برای ساختن ترکیب‌های هجومی و نزدیک شدن به محوطه جریمه حریفان استفاده می‌کند. کاريله همچنین به مثلث‌سازی و تحرک بازیکنان برای ایجاد فضا و موقعیت گل‌زنی اهمیت می‌دهد.

● حملات از جناحین:

کاريله سعی دارد از دو جناح زمین برای حمله استفاده کند. مدافعان کناری در حملات شرکت می‌کنند و وینگرها برای خلق موقعیت نقش پررنگی دارند.

● مثلث‌سازی:

تیم‌های کاريله سعی دارند با استفاده از پاس‌های کوتاه میان سه بازیکن، مثلث‌هایی در نقاط مختلف زمین ایجاد کنند تا با شکستن خطوط دفاعی حریف، به محوطه جریمه برسند.

● تحرک بازیکنان: بازیکنان مدام در حرکت هستند تا فضا و فرصت برای ضربه نهایی فراهم شود. وینگرها به مرکز می‌زنند و هافبک‌های دفاعی به حمله اضافه می‌شوند.

● دفاع منسجم:

با وجود تأکید بر حمله، کاريله سیستم دفاعی قدرتمندی هم ایجاد می‌کند، با بلوک‌های دفاعی که نسبت به شرایط بازی تغییر می‌کنند.

● توپ‌های هوایی و ایستگاهی:

کاريله در زمان حضورش در کادر تیتو در کورینتیانس، در زمینه توپ‌های ایستگاهی و ارسال‌های هوایی (چه در حمله و چه در دفاع) تجربه زیادی کسب کرده و در این زمینه‌ها تیم‌هایش معمولاً عملکرد خوبی دارند.

● تعادل:

کاريله همیشه به دنبال تعادل بین حمله و دفاع است و با سیستم‌های تاکتیکی انعطاف‌پذیر، تیم را نسبت به شرایط مختلف بازی تنظیم می‌کند.

● آرایش ۴-۲-۱:

او اغلب از آرایش ۴-۲-۱ استفاده می‌کند. این سیستم به او امکان می‌دهد دو هافبک دفاعی برای حفاظت از خط دفاع و سه بازیکن هجومی برای خلق



موقعیت داشته باشد.

● انتطاف‌پذیری:

کاريله به تطبیق سیستم تاکتیکی و استراتژی بازی با توجه به شرایط هر مسابقه معروف است. نمونه‌هایی از بازیکنانی که در سیستم کاريله خوب جام می‌افتند:

● وینگر کلاسیک:

بازیکنی که با سرعت، دریبل و نفوذ از کنارها موقعیت ایجاد می‌کند.

● وینگر سازنده:

بازیکنی که به میانه زمین متمایل می‌شود، بازی‌سازی می‌کند و به خط هافبک کمک می‌کند.

● مدافع کناری هجومی:

بازیکنی که توانایی حمله و نفوذ به محوطه حریف را دارد.

● هافبک خلاق:

بازیکنی که با پاس‌های کلیدی و خلاقانه موقعیت‌سازی می‌کند.

● همان همیشگی

فابیو کاريله اغلب تیم‌هایش را با سیستم ۴-۲-۱-۳ می‌چیند و در بخش هجومی تغییر ایجاد می‌کند. این سیستم که کاريله با آن سه عنوان قهرمانی در ایالت برای کورینتیانس کسب کرد، با رویکرد قبلی او در سانتوس که سه دفاع استفاده می‌کرد متفاوت است.

● مدافع هافبک‌ها

هنگام شروع بازی از عقب، کاريله نقش مهمی به مدافعان کناری می‌دهد. او با بازی گرفتن از مدافعان این فرصت را ایجاد می‌کند تا هافبک‌های دفاعی بتوانند بیشتر به حمله اضافه شوند.

● مسیر حمله از دو جناح زمین است

با حضور مدافعان کناری نزدیک به مرکز، کاريله دوست دارد تیم حملاتش را از جناحین انجام دهد و زیاد از وینگرها استفاده کند. تیم‌های او اغلب در حال بازی کردن و بردن توپ به سمت کنارها هستند، بازیکنان کنار هم جمع می‌شوند تا سه ضلعی بسازند و فضای بازی را باز کنند. این حرکت حتی نوک حمله را هم درگیر می‌کند.

● رسیدن قدرتمند به محوطه جریمه

افشای جزئیات دستمزد، خطرات و واقعیت‌های محافظت از کریستیانو رونالدو توسط محافظ شخصی‌اش در سال‌های حضور در رئال مادرید

پروفايل شخصي رونالدو خطرناک نیست

محافظ شخصی پیشین کریستیانو رونالدو، مهاجم تیم النصر عربستان، درباره مبلغ هنگفتی که برای محافظت از این اسطوره فوتبال دریافت می‌کرد، پرده برداشت.

هیچمن بوهاری، عضو تیم امنیتی رونالدو به مدت ۴ سال در دوران حضور این ستاره پرتغالی در رئال مادرید اسپانیا بود. او می‌گوید زندگی‌اش از لحظه‌ای که تصمیم گرفت خود را وقف این حرفه کند، برای همیشه تغییر کرد و اضافه می‌کند: «وقتی محافظت از فردی مثل او را به عهده می‌گیری، باید در نظر داشته باشی که اگر مجبور شوی از پشتش محافظت کنی، زندگی‌ات تغییر خواهد کرد.» این کارشناس امنیت ۲۶ ساله درباره تدابیر ایمنی برای حفظ امنیت رونالدو، شریکش جورجینا رودریگز و خانواده‌شان توضیح داد و گفت: «زندگی شخصی رونالدو خطرناک نیست، یعنی او شخصی سرشناس نیست که تهدید به قتل یا مواردی مشابه مانند نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور داشته باشد.» او که در یک برنامه تلویزیونی صحبت می‌کرد افزود: «او یک شخصیت مشهور است که به طور مداوم از طرف هواداران متعصب یا کسانی که به دنبال دزدیدن اموالش هستند، تهدید می‌شود.» وقتی درباره شخصیت رونالدو از نزدیک پرسیده شد، هیچمن گفت: «او فردی فوق‌العاده و بسیار بخشنده است، برخلاف آنچه شایعه شده و در حال حاضر رابطه خوبی با هم داریم.»

بوهاری از طول دوره محافظت از این اسطوره پرتغالی در رویدادهای مهم حضور داشت و بابت این کار روزانه ۸۵۰ پوند انگلیس (حدود ۱۱۵۰ دلار آمریکا) دریافت می‌کرد. این مبلغ معادل ۴۲۵۰ پوند (۵۷۴۸ دلار) برای هفته کاری ۵ روزه و ۲۱۲۵۰ پوند (۲۸۷۴۰ دلار) در ماه بود، در حالی که حقوق سالانه‌اش به ۲۵۵ هزار پوند (۳۴۴ هزار دلار) می‌رسید. با اینکه گاهی مجبور بود در برابر جمعیت زیادی از هواداران فوتبال، عکاسان و دزدان از خود دفاع کند، بوهاری اصرار داشت که کار با رونالدو آسان بوده است. او در مصاحبه با کانال تلویزیونی گفت: «کار ما بستگی به پرونده مشتری دارد. در مورد کریستیانو که چهار سال با او کار کردم، پرونده او پرخطر نبود چون مردم نمی‌خواستند او را بکشند و تهدید به قتل نشده بود. البته از طرف هواداران یا کسانی که می‌خواستند او را بزدند، تهدید می‌شد.»

رونالدو یکی از مشهورترین چهره‌های ورزشی جهان است اما این شهرت خطرات خاص خودش را دارد؛ برای مثال، در یک بازی پرتغال مقابل آلمان، یک هوادار از سد امنیت گذشت و وارد زمین شد و به این بازیکن ۱۰ ساله نزدیک شد تا اینکه مأموران امنیتی او را دور کردند.



